



نشست ضرورت‌های تدوین تاریخ شفاهی نمایش کودک و نوجوان

پیاده‌سازی و آماده‌سازی متن: فاطمه جبرائیلی^۱
ویرایش: شفیقه نیک نفس^۲

نشست ضرورت‌های تدوین تاریخ شفاهی نمایش کودک و نوجوان با حضور اساتید بنام تئاتر کودک و نوجوان و به دعوت گروه تاریخ شفاهی پژوهشکده اسناد در روز سه‌شنبه ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۶ از ساعت ۱۴ ال ۱۶ در ساختمان آرشیو ملی ایران برگزار شد. این برنامه در راستای طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان که از سوی استاد داود کیانیان به سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران پیشنهاد شده بود، برنامه‌ریزی شد تا با اتکا به نظریات اساتید شناخته شده این حوزه، ضرورت‌ها و حساسیت‌های آن مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. در این نشست، اعضای بنیاد نمایش گرد هم آمدند و در سالن دکتر پرهام سازمان اسناد و کتابخانه ملی به سخنرانی و تبیین ضرورت و اهمیت اجرای چنین طرحی پرداختند.

در این نشست داود کیانیان با موضوع «معرفی بنیاد، سر فصل‌ها و کاربردها، اهمیت و



۱. کارشناس تاریخ، کارشناس بررسی اسناد و مدارک سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
Edalat1321@gmail.com
۲. کارشناس ارشد تاریخ، رئیس گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری- شنیداری؛
shafighehniknafs@yahoo.com



مشکلات پژوهش»، منصور خلج با موضوع «تئاتر کودک و نوجوان از آغاز تا تشکیل کانون پرورش فکری»، یداله وفاداری با موضوع «تئاتر دانش‌آموزی در آموزش و پرورش»، مسلم قاسمی با موضوع «تئاتر کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، عباس جهانگیریان با موضوع «تئاتر و نمایش عروسکی کودک و نوجوان در تلویزیون»، منوچهر اکبرلو با موضوع «تئاتر کودک و نوجوان از انقلاب اسلامی تاکنون» و حسین فدایی‌حسین با موضوع «ارزیابی آمار کتاب‌های منتشر شده حوزه تئاتر کودک و نوجوان در ایران» سخنرانی کردند. در زیر متن سخنان این اساتید را می‌خوانید.

جواهردهی: بسم الله الرحمن الرحيم. عرض ادب و احترام خدمت حضار محترم، علاقه‌مندان و پژوهشگران سازمان اسناد و کتابخانه ملی. قدم رنجه فرمودید. با حضور مهمانان بزرگوارمان اساتید عرصه کودک و نوجوان که بسیاری از فراز و نشیب‌های این دوره تاریخی را به قلم نگاشته‌اند. امیدواریم که در این عرصه بتوانیم تاریخ شفاهی تجربیات این عزیزان را در عرصه تئاتر کودک و نوجوان با گفتگویی صمیمی ثبت نماییم تا اگر چنانچه نقاط مشترک و ابهامی در تاریخ کشور عزیزمان در این خصوص وجود دارد، با نظرات کارشناسانه این عزیزان به بحث و بررسی بپردازیم و بتوانیم پاسخ مناسبی برای ابهامات بدست آوریم.

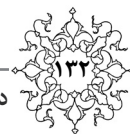
در اینجا افتخار داریم که در خدمت استاد عزیز، جناب استاد آقای کیانیان باشیم. همچنین در خدمت استاد عزیز جناب آقای خلج، استاد عزیز جناب آقای یدالله وفاداری و استاد عزیز جناب آقای قاسمی و همین‌طور جناب آقای استاد جهانگیریان و جناب آقای اکبرلو هستیم که به ما افتخار دادید و قدم رنجه فرمودید.

استاد کیانیان: جناب آقای فدایی حسین هم تشریف دارند.

جواهردهی: و جناب آقای فدایی حسین و امیدواریم که این نشست بتواند حاصل‌گپ و گفت تخصصی و در عین حال درددل دوستان اهل قلم در عرصه [تئاتر] کودک و نوجوان باشد. من سکانداری را می‌سپارم به استاد عزیزم جناب آقای کیانیان که از پیشگامان تعلیم و تربیت، همین‌طور از پیشگامان عرصه تئاتر کودک و نوجوان هستند. استاد در خدمت‌تان هستیم.

استاد کیانیان: خواهش می‌کنم. به نام خدا. سلام عرض می‌کنم خدمت حضار محترم. سپاس از جناب آقای عزیزی ریاست محترم پژوهشکده و عضو هیئت علمی، سرکار خانم نیک‌نفس به‌ویژه و جناب آقای جواهردهی عزیز که توفیق تشکیل این جلسه را برای ما فراهم کردند. تشکر از اعضای محترم بنیاد نمایش که در خدمت‌شان هستیم و دعوت ما را برای سخنرانی در این نشست قبول کردند.

باعث کمال امتنان ماست که شما بزرگواران هم برای این نشست اهمیت قائل شدید و وقت گرانبهای خود را برای شنیدن سخنان ما در مورد ضرورت اجرای طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک



و نوجوان در ایران حضور به هم رساندید. امیدواریم که این جلسه مفید به فایده باشد، برای همه ما، برای کودکان و نوجوانان ایران، و اسناد و انشالله بتواند برای پژوهشگران و آیندگان مفید باشد. لازم می‌دانم معرفی کوتاهی داشته باشم از بنیاد نمایش کودک و اهداف آن. این بنیاد در سال ۹۴ به وسیله پیشکسوتان این حوزه به‌طور رسمی فعالیت خودش را آغاز کرد. بنیاد نمایش کودک نخستین اقدامش گردهم‌آیی مسئولین نهادهای مربوطه بود که ما در آنجا اعلام آمادگی کردیم برای مسئولینی که در زمینه تئاتر کودک و نوجوان کار می‌کنند و نهادهایی که در ایران به این فعالیت مشغول هستند که ما آمادگی اقدام بنیادین در زمینه تئاتر کودکان و نوجوانان را داریم.

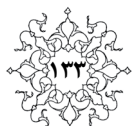
این جلسه برای اولین بار در تاریخ ایران اتفاق افتاد که تمام نهادهایی که راجع به یک مسئله کار می‌کنند، به‌صورت موازی در یک جلسه دورهم جمع بشوند. این اتفاق واقعاً معمولاً نمی‌افتد. برای اینکه هرکدام خط‌مشی جداگانه‌ای دارند، طرز تفکر متفاوتی دارند و حُب کارهای خودشان را هم می‌کنند. اما این اتفاق در تاریخ شانزده اسفند ۹۴ خوشبختانه به انجام رسید و همه متوجه شدند که چنین بنیادی به‌وجود آمده است و حاضر است که در این زمینه‌ها کار کند.

در سال ۹۵ ما سه تا کتاب نظری توسط انتشارات همراه به‌چاپ رسانده‌ایم و در جشنواره تئاتر بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان برای بنیانگذار تئاتر کودک و نوجوان ایران بزرگداشتی برگزار کردیم و کلیه نمایشنامه‌های این آغازگر تئاتر کودک در ایران را که تألیف کرده بود، برای اولین بار به چاپ رساندیم. یادش گرامی، زنده‌یاد جبار باغچه‌بان که متأسفانه در این زمینه کمتر کسی می‌شناسد.

یکی دیگر از کارهایی که در سال گذشته ما انجام دادیم، راه‌اندازی سرای کاظمی بوده است. سرای کاظمی یکی از خانه‌های قدیمی هست که الان توریست‌ها می‌روند از آن بازدید می‌کنند. خانه بسیار زیبایی است به همان شکل سنتی. اما در حال حاضر در اختیار بنیاد نمایش کودک قرار گرفته است که فعالیت تئاتری برای کودک و نوجوان انجام بدهد. کجا هست؟ منطقه دوازده، منطقه‌ای که بسیار محروم است. بین میدان شهدا تا خیابان خراسان. میدان خراسان و مهاجرین زیاد هستند آنجا و بسیار جایگاه مناسبی است برای کار فرهنگی کردن، الان هم از پنجشنبه تدریس‌ها برای معلمین آنجا شروع شده است و بعداً هم برای کودکان و نوجوانانش انجام خواهد شد.

برنامه‌های نمایشی هم همانجا، الان دارد اجرا می‌شود که این مهم را آقای دکتر وفاداری از بنیاد نمایش به‌عهده گرفتند و در آنجا مشغول هستند. خوشحال می‌شویم فرصتی باشد یک روزی در خدمت همه باشیم برای بازدید از آنجا. چون توریست‌ها می‌آیند و می‌روند و می‌بینند. چرا واقعاً ما نرویم ببینیم؟ به‌ویژه این محیط و بزرگواری که اینجا هستند و کارشان مسائل تاریخی و بنیادی هست در زمینه ملی ایران.

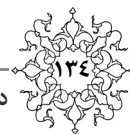
به هر صورت از کارهایی که ما خیلی دوست داریم انجام بدهیم، ایجاد موزه تئاتر کودک و



نوجوان است که از برنامه‌های آینده ما خواهد بود. اما چرا در این دوساعتی که فرصت صحبت به ما دادند برای سخنرانی ما هفت تا سخنران با هم آمدیم که سخنرانی کنیم و در صورتی که می‌دانید دیگر دوستان اهل تئاتر و سینما و تلویزیون و سریال هستند و اگر فرصتی پیدا بکنند اینقدر مطلب دارند که ساعت‌های زیادی را می‌توانند هم دیگران را سرگرم بکنند و هم آموزش بدهند و هم مسائل پژوهشی را که تجربه دارند عنوان بکنند. در آینده انشاءالله اگر این برنامه طرح اجرایی‌اش به‌تصویب برسد، آقای جواهردهی و دوستانی که فیلم می‌گیرند، خواهند دید که [موضوع چقدر اهمیت دارد]. چون در چند جلسه‌ای که توفیق داشتیم در خدمت‌شان بودم، دیدم که در مصاحبه‌ها، سؤال‌هایی می‌کنند که حُب دوستان را در واقع به صحبت می‌کشاند و چنان شنونده‌های خوبی هستند که واقعاً صاحب سخن را حسابی سر ذوق می‌آورند. علت اینکه ما هفت سخنران را در اینجا انتخاب کردیم که بیایند و صحبت بکنند، از نظر خودمان اهمیت دادن به این موضوع است. یعنی ما معتقد هستیم که به همین اندازه -هفت- که یک ارزش ملی و شاید بین‌المللی دارد، ما نیز هفت سخنران هستیم و همین قدر مسئله تاریخ‌شفاهی تئاتر کودکان و نوجوانان برای ما اهمیت دارد. چرا اهمیت دارد؟ حُب می‌گوییم که ما صد سال تئاتر کودک داریم اما یک تاریخچه مستقل و یا شفاهی از این یک قرن تئاتر کودک نداریم. این اولین ضرورتش است. آیا این ضرورت کمی است؟ یک قرن است که تئاتر کودک در ایران فعالیت دارد، اما دریغ از اینکه آغازگر آن به جامعه معرفی شده باشد. شاید باور نکنید امسال در جشنواره تئاتر کودک و نوجوان همدان که جشنواره بین‌المللی هم هست ما بزرگداشت گرفته بودیم برای جبار باغچه‌بان. دختر ایشان را هم دعوت کرده بودیم که ایشان هم تشریف بیاورند آنجا و این جلسه را افتتاح بکنند.

خانم پروانه باغچه‌بان؛ اکثر بچه‌هایی که کار تئاتر کودک و نوجوان می‌کردند، نمی‌دانستند که بنیانگذار تئاتر کودک و نوجوان کی هست؟ دو سه نفری گفتند ما دیگر می‌دانیم. گفتیم خیلی خوب تشریف بیاورید اینجا. آیا شما می‌دانید قبر ایشان کجاست؟ دیگر سرشان را انداختند پایین. چون هیچکس نمی‌داند که قبر این بزرگوار کجاست؟ در یک تنهایی ایشان، در زندگی‌اش به‌سر برده است و مبارزه کرده است که واقعاً یکی از قهرمانان ملی ما هست.

کتاب‌های زیادی هم در مورد ایشان [نوشته] شده است. بزرگداشت‌های زیادی هم در زمینه‌های مختلف آموزش و پرورش، مسائل آموزش کر و لال‌ها و اختراعاتی که ایشان داشته و غیره انجام شده است، ولی در زمینه تئاتر کودک و نوجوان متأسفانه هیچ صحبتی هیچ جا در این باب نشده است. به هر صورت صدسال است که ایرانی جماعت نمایشنامه برای کودک و نوجوان منتشر کرده، انواع تئاترها را به نمایش گذاشته است. کتاب‌های نظری انتشار داده است. آثار برتر دیگران را ترجمه کرده است، عروسک ساخته است. بروشور و پوستر به‌چاپ رسانده است. عروسک‌های ملی و بین‌المللی نمایشی دارد. اما دریغ که تاریخ‌شفاهی ندارد. امیدوار هستیم که



پیشکسوتان این تئاتر یکی یکی ما را تنها نگذارند.

اما متأسفانه در سال گذشته دیدید چه سال بدی بود و هنرمندان زیادی متأسفانه از ما جدا شدند این یک هشدار است برای ما. برای اینکه ما باید از تجربیات اینها تا هستند، آگاه بشویم. متأسفانه فرهنگ ما هم به ما نیاموخته است که باید تجربیات خودمان را مکتوب کنیم. خیلی این اتفاق کم می‌افتد. جناب سمندریان بزرگ از میان ما می‌رود، بعد این همه آموزشگاه درست کرده است، این همه دانشجو درست کرده است، چه چیزی از ایشان باقی مانده است؟ کجا تجربیات آن‌ها مکتوب شده است و کجا مصاحبه‌ای از ایشان گرفته شده است که تجربیاتش به نسل بعدی منتقل بشود.



سؤال این است، آیا می‌شود گفت گروهی که دارند تئاتر کودک و نوجوان کار می‌کنند و صدسال سابقه دارد، از گذشته خودشان خبر نداشته باشند و بتوانند تئاتر درستی را امروز کار بکنند؟ نه امکان ندارد. بنابراین ما نیاز داریم که این را جمع‌آوری بکنیم، در اختیار نسل امروز قرار بدهیم که بدانند راه درست چه هست. راه تکراری را نرود. راه‌هایی که اشتباه کردند دیگران رفتند، اینها نروند. اما بگویم یک اثر ارزشمند هم در این زمینه وجود دارد. در زمینه مکتوب که از منابع معتبر ما در این رابطه به‌شمار می‌رود و آن تاریخ ادبیات کودکان است که به این مهم پرداخته است. البته موضوع آن بسیار گسترده است. تاریخ ادبیات کودک و نوجوان است اما در بخش ادبیات نمایشی، به تاریخ تئاتر کودک و نوجوان هم نیز اشاره کرده‌اند، این گروهی که بسیار معتبر هستند. خُب سؤال این است که آیا می‌توان به‌صورت اصولی به فعالیت پرداخت که از گذشته آن بی‌اطلاع باشیم؟ آیا امروز ادامه گذشته ما نیست و فردا ادامه امروزمان نخواهد بود. کسانی که به فعالیت‌های فرهنگی و هنری این کشور بی‌اعتنا باشند، بدانند که فردا نیز چیزی از امروز باقی نخواهد ماند تا آیندگان بدانند که ما چه کرده‌ایم؟ مگر آنکه ما به فکر فردایمان و آیندگانمان باشیم. تئاتری

که برای کودک و نوجوان ما حکم فطرت را دارد، تثاتری که می‌تواند غیرمستقیم آموزش بدهد، تربیت بکند و پرورش بدهد، خلاقیت کودک و نوجوان را باور بکند. حتی بعضی از نابسامانی‌های جسمی و روانی کودکان و نوجوانان را درمان بکند، اما صدسال است که مورد بی‌مهری قرار گرفته است. آیا اکنون زمان آن نرسیده است که ما گذشته خود را بشناسیم و امروزمان را بر مبنای واقعیت‌های مثبت دیروزمان بنا بکنیم؟ و تنها به آن طرف آب‌ها چشم نداشته باشیم که تاریخ و فرهنگ‌شان با ما متفاوت هست. چرا ما تجربیات شخص‌های برجسته کشورمان را که در این زمینه دانشی اندوخته‌اند و دانش‌های گرانبهایی دارند را به‌ثبت نمی‌رسانیم. تا هم دست‌اندرکاران امروز بهره ببرند و هم آیندگان. امیدواریم قبل از اینکه این بزرگواران هنرمند پیشکسوت تثاتر کودک و نوجوان را از دست بدهیم، ثبت تجربیات این بزرگواران آغاز بشود. کجاست تجربیات جبار باغچه‌بان؟ کجاست تجدید حیات تثاتر کودک ایران در زمان شکوفایی این تثاتر در مرکز تولید تثاتر کانون پرورش فکری در دهه ۱۳۵۰؟

ما امروز بزرگانی در این زمینه داریم که افتخار آفرین این عرصه در ایران و جهان هستند. خانم ثمینه و پروانه باغچه‌بان، بهروز غریب‌پور، بهرام شاه محمدلو، رضا بابک، مرضیه برومند، هنگامه مفید، هما جدی‌کار، حسن دادشکر، یدالله آقاعباسی، قطب‌الدین صادقی، رضا فیاضی، شهرام کرمی، سیمین امیریان، فاطمه معتمد آریا، حمید جلیلی و دیگر افرادی مانند آن‌ها. اجازه بدهید وقت‌تان را با بقیه اسامی نگیرم و انشالله همه از حضور آن‌ها در مصاحبه‌های صوتی و تصویری استفاده‌های بیشتری ببریم.

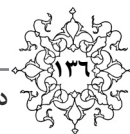
خلاصه اینکه ما در پژوهش‌هایمان در این زمینه به منابع شگفتی برخورد کردیم که از نظر ما که همه کار پژوهشی تثاتر کودک و نوجوان می‌کنیم، بعضی از این فعالیت‌های هنری و خلاقانه در جهان بی‌نظیر است. بنابراین ضرورت‌ها بود که گفتیم هرکدام از ما به مقاطع مختلفی از این مقوله اشاره بکنیم. اجازه می‌خواهم سخنرانان محترم را معرفی کنم.

جناب آقای استاد منصور خلج، نماینده‌نویس، محقق، استاد دانشگاه، کارگردان، دارای نشان درجه یک هنری معادل دکترا، فعال تثاتر کودک. از ایشان سؤال می‌کنیم در زمینه ضرورت اجرای طرح تاریخ‌شفاهی تثاتر کودک و نوجوان از آغاز تا تشکیل کانون پرورش فکری در سال ۱۳۵۰ صحبت بفرمائید. چه ضرورتی دارد که ما این طرح را اجرا کنیم. جناب آقای خلج.

استاد منصور خلج

به نام آنکه چمن را به گل مصفا کرد. به نام آنکه سخن را چو گل شکوفا کرد. سلام عرض می‌کنم خدمت حضار محترم. اساتید عزیز.

خوشحال هستم که این جلسه تشکیل شد و من دارم صحبتی را آغاز می‌کنم که در حقیقت



شاید برای اولین بار است که این اتفاق می‌افتد. تاریخ‌شفاهی تئاتر کودک و نوجوان، خیلی دیر دارد اتفاق می‌افتد. اما به هر حال مغتنم است. من ناگزیر هستم یک مقدمه‌ای بگویم، بعد به بحث بپردازم. اصولاً تئاتر کودک و نوجوان، خیلی دیر در ایران شروع شد. حتی در دنیا هم می‌شود گفت دستاورد مدرنی است، دستاورد جدید است. اگر تئاتر کودک و نوجوان را بخواهیم با تئاتر بزرگسال مقایسه کنیم، می‌دانید که قدمت تئاتر بزرگسال و مکتوب به دو هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح می‌رسد. یعنی به یونان باستان و آثاری که از آن دوره باقی مانده است. آثاری مثل آثار سوفکل، مثل آثار اشیل، مثل آثار اورپید و همین‌طور تئاتر رم و بعدها عصر الیزابت تئاتر عصر شکسپیر تئاتر عصر ایپسن و غیره.

آثار زیادی در کتابخانه‌ها ما می‌بینیم که در گنجینه قفسه‌های کتابخانه‌ها از این نویسندگان وجود دارد. اما هیچ‌کدام از این نویسندگان اثری را برای کودک و نوجوان ذکر نکردند یا ندارند. چرا نویسندگان بزرگ تمام اعصار توجه نداشتند که برای کودک و نوجوان بنویسند؟ این سؤالی است که من سال‌ها پیش از خودم کردم و بعدها پاسخش را در تحقیقاتی که انجام دادم پیدا کردم. واقعیت این است که تئاتر کودک و نوجوان دستاورد مدرنیته است. یعنی از زمانی که علم روانشناسی وارد حیات خودش می‌شود، این علم با پیشرفتی که می‌کند متوجه ضمیر و اندیشه نسل کودک و نوجوان می‌شود. تا قبل از آن اصولاً کودک و نوجوان را نارس می‌دانستند، یا می‌گفتند آنچه به این سن و سال مربوط است، بچه‌ها سر در نمی‌آورند، بچه‌ها نمی‌فهمند. درست این ماجرا عکسش است امروز. خانواده‌ها توجه می‌کنند به بچه‌هایشان و ادراکاتی که دارند.

خود تئاتر به مفهوم مدرنش در ایران هم زیاد قدمتی ندارد. در حقیقت اولین آشنایی ما با تئاتر مدرن یا به شکل اروپایی‌اش از زمانی اتفاق می‌افتد که هیئتی پس از جنگی که آغامحمدخان قاجار در تفلیس اتفاق می‌افتد و کشتاری که در آنجا رخ می‌دهد، متعاقب آن الکساندر گریبایدوف، وزیر مختار روسیه در ایران به قتل می‌رسد. یک هیئت صد و چند نفره از ایران به روسیه می‌روند، برای در حقیقت رتق و فتق کردن این ماجرا.

این هیئت حدود ده ماه و پانزده روز در روسیه می‌ماند و با تئاترهای آن سرزمین آشنا می‌شوند. در این هیئت دو نفر بوده است که بعدها در تاریخ سیاسی و فرهنگی ما حضورشان بسیار چشمگیر است. یکی میرزا تقی‌خان است که بعدها میرزا تقی‌خان امیرکبیر صدراعظم ما می‌شود، که در این هیئت حضور داشته است و یکی میرزا آقا تبریزی که سن و سال زیادی نداشته است اما به عنوان مترجم در این هیئت بوده است.

بعدها میرزا [آقا تبریزی] به ایران که بر می‌گردد، به عنوان مترجم وارد ماجرا می‌شود و شروع می‌کند به نمایشنامه نوشتن، تحت تأثیر نمایشنامه‌هایی که از میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌شناسد. نتیجتاً اولین دریچه‌های آشنایی ما با تئاتر مغرب زمین باز گشوده می‌شود و بعد از آن اعزام



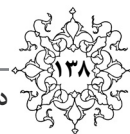
نخستین هنرجویانی هستند که از ایران به کشورهای اروپایی می‌روند و آن‌ها تئاتر اروپایی را می‌شناسند. تئاتر فرانسه را بالاخص با آثار نمایشنامه‌نویسی بالاخص مثل مولیر و شکسپیر آشنا می‌شوند و نخستین ترجمه‌ها اتفاق می‌افتد.

اما گفتم تئاتر کودک خیلی بعد از این رخ می‌دهد؛ زمانی رخ می‌دهد که در حقیقت پدیده‌های مدرن یا شهرنشینی اتفاق می‌افتد. طبقه متوسط زائیده می‌شود که این طبقه مهاجرت کرده می‌آید به شهرها، بچه‌هایشان را به مدرسه می‌گذارند، نخستین مدارس تأسیس می‌شود. مکتب‌خانه‌ها یواش یواش تبدیل به مدارس می‌شوند. در این مدارس آموزش و پرورش به شیوه مدرن و کم و بیش امروزی رخ می‌دهد و توجه کردن به کودک و نوجوان از همین‌جا آغاز می‌شود که در حقیقت باید این عصر مدرن تربیت کند نسل جوانی را برای فنون و حرفه‌هایی که همپای زمانه دارد اتفاق می‌افتد و جلو می‌رود.

نتیجتاً سواد، آموختن، مدرسه رفتن، تحصیلات و خلاقیت مطرح می‌شود. همچنان که اشاره شد، ما با اولین مدارس با تئاتر کودک و نوجوان آشنا می‌شویم. یعنی متوجه می‌شوند که این کودک و نوجوان باید خلاقیت‌هایش را رشد بدهد. یکی از اولین کسانی که در این زمینه پیشگام است، همچنان که اشاره شد، میرزا جبار باغچه‌بان است با نام اصلی عسگرزاده که ایشان اصلاً در ایروان زندگی می‌کند. در آشوبی که در اختتامیه جنگ جهانی اول اتفاق می‌افتد در سال ۱۹۱۸، ایشان از ایروان به ایران مهاجرت می‌کند، از طریق جلفا وارد شهر مرنند می‌شود و نخستین مدرسه را در آنجا، شروع می‌کند به راه انداختن و به حرفه معلمی پرداختن و نخستین نمایشنامه‌اش را هم در همان مدرسه به صحنه می‌برد.

نمایشنامه‌ای به نام خورخور اولین اثری است که در حقیقت مربوط می‌شود به سال ۱۲۹۸. یعنی اواخر حکومت قاجار است. هنوز سلسله پهلوی سرکار نیامده است. ایران در آشوب و بهم ریختگی است.

اختتامیه جنگ اول جهانی است. امپراطوری عثمانی فرو پاشیده شده است و جبار باغچه‌بان مدتی هم در استانبول بوده است و می‌آید در ایران شروع می‌کند به آموزش ابتدایی برای کودکان و نخستین نمایشنامه‌هایش را نوشتن. انسان بسیار خلاق است. در زمینه‌های مختلفی فعالیت می‌کند. یک معلم بسیار ارزشمند و صاحب‌سبکی است. در مقام یک آموزگار نمایشنامه‌نویس توانا است. نمایشنامه‌هایی که از ایشان به‌جا مانده هنوز هم که هنوز است قابل استناد به‌عنوان آثار یک دوره [می‌باشد]. اشاره کردم مثل خور خور، مجادله دوپسری، ترب، مثل جمشید و شاپور و چندین اثر دیگری که ایشان در زمینه نگارش نمایشنامه شروع می‌کند به کار کردن و خودش به‌عنوان یک کارگردان هم شروع می‌کند اینها را با بچه‌ها به‌صحنه آوردن. همراه خانمش، خانم صفیه میربابایی که ایشان هم در طراحی لباس و در آهنگ‌سازی دستی داشته است. نمایشنامه‌ها را در مرنند، در



تبریز [اجرا می‌کند] و بعدها ایشان به شیراز منتقل می‌شود و در شیراز کودکستانی هم راه می‌اندازند و نخستین نمایشنامه‌ها را ما به‌عنوان میراث‌دار، از جبار باغچه‌بان در فرهنگ خودمان داریم.

جبار باغچه‌بان بعدها قدم مهمی برمی‌دارد و مدرسه‌ای برای کر و لال‌ها راه می‌اندازد که در این مدرسه آموزش زبان برای این افراد را مدنظر خودش قرار می‌دهد. بعد از جبار باغچه‌بان یکی دیگر از کسانی که به او اشاره می‌شود کرد، آقای ابوالقاسم جنتی عطایی است که ایشان کتاب نمایش در مدارس را راه می‌اندازد و ایشان معتقد است تئاتر برای بچه‌ها و بازی برای بچه‌ها مثل غذا ضرورت دارد. نتیجتاً تلاش‌هایی می‌کند و در مدارس و برای آموزش و پرورش فعالیت چشمگیری را ایشان مبدعش هست. کمی جلوتر می‌آییم ما نام بیژن مفید آشنا می‌شویم. یکی از نخستین کسانی است که نخستین نمایشنامه‌ها را می‌نویسد که بعدها مرکز ثقلی می‌شود ایشان. ادبیات و زبان انگلیسی خوانده است. اما یک آتلیه درست می‌کند و در آن آتلیه نخستین نمایشنامه‌اش را به نام شهر قصه می‌نگارد که بعدها یکی از نمایشنامه‌های تاثیرگذار و پرفروش زمان خودش می‌شود. مفید بعدها همه را می‌گذارد چندین نمایشنامه برای کودکان می‌نویسد. از جمله نمایشنامه شاپرک خانم، از جمله نمایش کوتی و موتی، از جمله نسخه جدیدی از ترب و چندین نمایشنامه دیگر که حاصل زحمات این عزیز بزرگوار است.

تا زمانی که در حقیقت کانون پرورش فکری کودکان شکل می‌گیرد و بیژن مفید به‌عنوان یکی از افراد تئاتری جذب کانون می‌شود و فعالیتش را با کانون ادامه می‌دهد. اگر اجازه بدهید من تا همین جا صحبت‌م را تمام کنم.

استاد کیانیان: تشکر می‌کنم. خیلی ممنون.

استاد خلیج: خواهش می‌کنم. خیلی متشکرم.

استاد کیانیان: مطمئن هستم جناب استاد خلیج خیلی صحبت‌ها در این زمینه دارند. چون بعد خودشان هم در همین دوره‌ای که اشاره کردند مربی تئاتر می‌شوند در کانون. جناب قاسمی هم یکی از بازیگرهای نوجوان آن زمان هستند و بوده‌اند. ولی متأسفانه فرصت نمی‌شود که ما از بقیه صحبت‌های ایشان فعلاً استفاده کنیم. این را به‌عنوان یک نمونه کوچک فعلاً داشته باشید تا در آینده اگر دوست داشتید ما خوشحال می‌شویم همه در خدمتان باشیم. اجازه بدهید سخنران بعدی را معرفی بکنم، دکتر بدالله وفاداری. معلم، مربی و ... اجازه بدهید معرفی را کامل بکنم ایشان معلم و مربی و استاد دانشگاه هستند.

فعال تئاتر کودک درمورد ضرورت اجرای طرح تاریخ‌شفاهی تئاتر دانش‌آموزی در آموزش و پرورش صحبت خواهد کرد چون هم معلم بودند و هم آنجا مسئولیت داشتند. پایان‌نامه دکترای ایشان تاریخچه تئاتر کودک و نوجوان ایران است اما متأسفانه تا به حال منتشر نشده است. خواهش می‌کنم بفرمائید.



دکتر یدالله وفاداری

بسم الله الرحمن الرحيم. عرض کنم خدمت‌تان که من امیدوارم در این فرصتی که دارم عرایضم به هر حال یک وقتی جایی مورد استفاده قرار بگیرد.

ضمن اینکه سلام عرض می‌کنم خدمت حضار محترم. تصور من این بود که بعد از جناب استاد قاسمی قرار است صحبت کنم، ولی خُب حالا اینجوری فرمودند. واقعیتش این است که یک فعالیت‌هایی را که جبار باغچه‌بان در مدرسه احمدیه مرنند شروع کردند در سال ۱۳۹۸، ادامه پیدا نکرد. به‌صورت پراکنده وقتی جایی، مدرسه‌ای براساس شرایطی که داشت یک مرتبه یک کاری را به انجام می‌رساند.

ولی اینکه رسماً در هیئت تئاتر دانش‌آموزی یک شکل و فرم و قوام درستی داشته باشد و یک عده‌ای در حقیقت بیایند فعالیت بکنند، فعالیت هدفمند انجام بدهند و یک متولی داشته باشد که آن فعالیت‌ها را پیگیری کند، تا به حال نبوده است. یعنی در قدیم هم نبوده است.

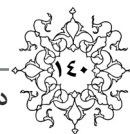
من در این زمینه تحقیق کردم و در رساله‌ام که جناب استاد فرمودند آورده‌ام. هیچ متولی که بگوید من متولی تئاتر دانش‌آموزی هستم و برای سراسر بچه‌های این مملکت برنامه دارم و می‌دانم که چه کار دارم انجام می‌دهم نبوده است.

جشنواره‌هایی برگزار می‌شود ولی این جشنواره‌ها تکرار مکررات است. گاهی به علتی، به علتی که یک آدم دلسوزی که در جایی قرار می‌گیرد یک مرتبه جشنواره یک روشنایی بیشتری پیدا می‌کند. مثل سال ۶۸-۶۹ در نیشابور اساتید دانشگاه به‌عنوان داور دعوت شده بودند. (جناب استاد کیانیان هم تشریف داشتند) من به گوش خودم از اساتید دانشگاه شنیدم که این کارهای دبیرستان اگر بهتر از کارهای دانشگاه نباشد، بدتر از آن‌ها نیست.

یعنی این‌قدر بچه‌ها با شور و شوق و بالندگی روی صحنه می‌درخشیدند و خیلی این اساتید دانشگاه تحت‌تاثیر واقع شده بودند. می‌گفتند عالی است اینها و دعوت کردند و آمدند در تالار مولوی در همان سال اینها اجرا کردند. من شاهد بودم این بچه‌هایی که تئاتر اجرا می‌کردند، بعد می‌آمدند در صف غذای دانشجویها می‌ایستادند که غذا بگیرند، اینقدر شور و شوق داشتند و احساس بالندگی می‌کردند که در این صفاها ایستاده‌اند همراه دانشجویها می‌روند و غذا می‌گیرند، می‌نشینند در آن سلف سرویس غذا می‌خورند.

من یک جا دیدم آقای هوشنگ مرادی کرمانی در مصاحبه‌اش گفته بود «من دانشجو نبودم، ولی برای اینکه حس دانشجویی داشته باشم، هر از گاهی می‌رفتم دانشگاه از آبخوری دانشگاه آب می‌خوردم.» من دیدم این را در یک جایی در مصاحبه‌شان گفته بودند.

اما این فعالیت‌های پراکنده که همراه با جشنواره‌هایی هم بوده است که باری به هر جهت بود.



در سال ۱۳۳۶ - همان جور که استاد حاجیان فرمودند- وزیر فرهنگ وقت دستور می‌دهد به آقای دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی که نمایشنامه برای بچه‌ها بنویسند و این کتاب نمایشنامه‌های مدارس حاصل زحمت ایشان است که یک مقدار از سعدی هست و از شاهنامه هست و یک متن خارجی هست. به هر حال این کتاب به چاپ می‌رسد. ولی همین. یعنی سال‌های بعد دیگر شما ندارید. حالا به این کتاب هم می‌رسیم، اینها مال دوره‌های بعد است که من عرض می‌کنم. بعد دیگر خبری نیست. جشنواره‌ها هست. معمولاً معلمین علاقه‌مند از روی کتاب‌های درسی، از جاهای مختلف پیدا نمی‌کند که این تجربیات به نسل‌های بعد منتقل بشود. جشنواره‌ای برگزار می‌شود، همان روز هم تمام می‌شود تا جشنواره بعد که بسیاری را خود من شاهد بودم. تا اینکه در کانون پرورشی هم کتاب‌هایی هست، ولی تاثیر دانش‌آموزی نیست. تاثیر دانش‌آموزی ویژگی‌ها و ضوابط خاص خودش را دارد. کانون یک چند تا نمایشنامه برای کودک و نوجوان چاپ کرده است در آن سال‌ها. نمایشنامه‌های خیلی خوبی هم هستند. ولی دانش‌آموزها آن‌ها را نمی‌توانند در مدارس‌شان اجرا بکنند برای اینکه با ضوابط مدارس جور نمی‌شود. مثلاً جنسیت مختلف هست که اینها نمی‌توانند با هم تمرین کنند. حالا به هر حال آن‌ها هم ضوابط خاص خودشان را دارند.

تا اینکه در سال ۱۳۹۸، مدیرکل وقت فرهنگی و هنری معاونت پرورشی وزارت آموزش و پرورش [اقدام مهمی انجام می‌دهد]. این جمله از ایشان است که من می‌خواهم بگویم. نقل قول می‌کنم. چون من به گوش خودم شنیدم. یورش می‌آورد که در حقیقت نمایشنامه برای دانش‌آموزان چاپ کند. (این یورش را عین جمله خودش است عرض کردم). می‌گوید: «من چندین سال یورش آوردم و موفق نشدم». در سال ۶۸ موفق شد ده نمایشنامه مختص دانش‌آموزان درآورد. در حقیقت به چه علت ایشان به این فکر رسید و فراخوان داد. من خودم شاهد بودم. ده‌ها متن شاید هم بیشتر، حالا من نوشته بودم صدها متن، دیدم یک مرتبه اغراق می‌شود. خیلی زیاد است. معلمین، دانش‌آموزان در این فراخوان شرکت کردند.

بین اینها ده نمایشنامه انتخاب شد. اولین گامی که برای چاپ نمایشنامه برای دانش‌آموزان به طور خاص برای دانش‌آموزان برداشته شد، در همین سال ۱۳۶۸ بود. نمایشنامه «روایت از این ولایت» این مال بنیاد شهید است؛ سال ۱۳۷۴ اتفاق افتاده است. اینها هم باز سال ۱۳۷۴ آقای اکبرلو مسئولش بودند.

اینها را بعد «روایتی از این ولایت»، «حارث»، «من دیگر به مدرسه بر نمی‌گردم»، نمایشنامه «اولیا» نمایشنامه «الهام» نمایشنامه «درس معلم» اینها نمایشنامه‌هایی بود که در اینجا چاپ شد از بین این ده‌ها نمایشنامه که در حقیقت فرستاده بودند، انتخاب شد این ده تا نمایشنامه. سپس بازنویسی شد.

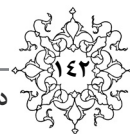


این نمایشنامه‌ها توسط آقای علیرضا نادری نجف‌آبادی و آقای دکتر احمد جولایی و توسط دوستان دیگر بازنویسی شد و به چاپ رسید. بعضی‌های آن‌ها فوق‌العاده کارهای خوبی شد. این را من با ضرس قاطع عرض می‌کنم. اینها بعداً ارشاد به فکرش افتاد که به هر حال نمایشنامه لازم است. تاریخش را مشاهده کنید، بعد از ۶۸ است. حُب باز یک فاصله‌ای داریم. توقف هست. چرا توقف هست؟ برای اینکه متولی نیست. متولی است که چراغ یک امام‌زاده را روشن نگه می‌دارد. اگر متولی نبود. چراغ خاموش می‌شود. هنوز هم کسی مسئولیت را به‌عهده نمی‌گیرد. آقا من هستم که آدم انتقادات و پیشنهادهایش را بدهد. بگوید می‌خواهی چه کار کنی؟ چه کار کردی؟ نبوده است. نیست. نمی‌دانم مشکل کجاست و در بسیاری از جلسات هم ما مطرح کردیم.

وزارت آموزش و پرورش مسئول است. مسئول میلیون‌ها دانش‌آموزی است که دیپلم می‌گیرند، وارد دانشگاه می‌شوند، من باز عرض می‌کنم، من دیدم فارغ‌التحصیل دانشگاه را که از ایشان پرسیدم تو می‌خواهی چه کاره بشوی، کجا بروی؟ گفته است نمی‌دانم.

باعث بسیار تأسف است که این آخر چه جوری می‌خواهد زندگی‌اش را اداره کند وقتی نمی‌داند حالا که فارغ‌التحصیل شده است چه کار می‌خواهد بکند. حُب این باید روز اول که به دبستان وارد می‌شود بداند به کجا می‌خواهد برسد. شرایط مطلوب چیست؟ این را تناثر می‌تواند به او یاد بدهد. یعنی از طریق تناثر بچه یاد می‌گیرد که کی هست؟ کجا هست؟ به کجا می‌خواهد برسد؟ چه کار می‌خواهد بکند؟ حُب حالا این را ما نداشتیم.

سال ۶۸ باز هم نمایشنامه چاپ می‌شود، بعد باز یک توقف هست. سال ۷۴ به همت جناب استاد اکبر و دوستانشان پانزده نمایشنامه در می‌آید که آن‌ها در آن نمایشنامه‌ها کارهای خوبی است. بعضی از آن‌ها فوق‌العاده شده است. هم زمان بنیاد شهید انقلاب اسلامی هم ده پانزده تا نمایشنامه در می‌آورد، به‌خاطر اینکه بچه‌های شاهد می‌خواهند در جشنواره شرکت کنند. اما نمایشنامه خاص خودشان را می‌خواهند. چون از نظر عاطفی به هر حال آن‌ها یک مسائل خاص خودشان را دارند. به همین علت، بنیاد شهید به فکر می‌افتد باز ده، یازده تا نمایشنامه چاپ می‌شود. ولی آنجا باز ادامه پیدا نمی‌کند. حُب. اینها نومیدکننده بود. ولی الان یک امیدواری هم بدهم که یک دو، سه سال هست وزارت آموزش و پرورش براساس پرسش‌مهری که در حقیقت رؤسای جمهور مطرح می‌کنند، معلمین و مربیان نمایشنامه‌های خوبی می‌نویسند، داوری می‌شود. باز هم بین ده‌ها نمایشنامه‌ای که می‌رسد، یک تعدادی انتخاب می‌شود. منادی تربیت، سه تا یک شش جلدی نمایشنامه در آورده است. به نام سروش صحنه یک، سروش صحنه دو و سروش صحنه سه. دیگر من بر اساس سال‌ها تجربه که بالاخره در خدمت استاد کیانپان یاد گرفتم از بهترین‌ها [است]. این نمایشنامه «آب سواران» هم از نمایشنامه‌های خوب است که در بنیاد شهید به خاطر بچه‌های شاهد چاپ شد. یعنی بچه‌هایی هستند که در خانه تنها هستند. این نمایشنامه در کانون



پرورش فکری چاپ شده است. استاد نوشته‌اند. «این عروسک مال کی است» من خودم خواندم استفاده کردم. این را هم عرض کنم جناب استاد خلیج نوشتند.

به هر حال عرضم تمام شد نمی‌دانم مفید بود یا نه. بعداً معلوم می‌شود.

استاد کیانیان: بسیار ممنون هستیم. جناب آقای دکتر وفاداری بسیار محبت کردید و فزاینده‌های مهم تئاتر کودکان را فرمودید. خیلی ممنون هستیم از لطف‌تان. واقعاً یکی از بخش‌هایی که بسیار اهمیت دارد در تئاتر کودک و نوجوان ما در آموزش و پرورش توسط خود ایشان اتفاق افتاد. یعنی برای اولین بار تازه الان جهان دارد می‌فهمد که خود بچه‌ها باید نمایشنامه بنویسند، خودشان بازی کنند و خودشان کارگردانی کنند. این تازه دارد آن طرف تازه اتفاق می‌افتد. واقعاً عرض می‌کنم. ایشان در زمانی که آموزش و پرورش بود، اواخر همان دهه شصت که نام برد، به‌وسیله خود بچه‌ها را وادار کرده بودند نمایش بنویسند و چه آثاری واقعاً زیبایی بود.

امیدواریم که این اتفاق باز هم بیافتد.

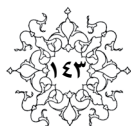
استاد وفاداری: انشاءالله.

استاد کیانیان: در اینجا می‌خواهم از استاد مسلم قاسمی خواهش بکنم که صحبت‌های خودشان را در زمینه تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان که مقطع پنجاه تا شصت را در بر می‌گیرد، صحبت بکنند. که خودشان در آنجا هم آموزش دیدند و هم آموزش می‌دادند و این نکته را هم عرض بکنم که در آنجا به‌عنوان یک رنسانس نام می‌برند و دوران طلایی تئاتر کودک و نوجوان نام می‌برند این بخش از تاریخ تئاتر را. جناب مسلم قاسمی نویسنده هستند، بازیگر هستند، کارگردان، نمایشنامه‌نویس، مترجم، مربی تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دهه پنجاه در مرکز تئاتر کانون و فعال تئاتر کودک در ایران و آلمان. خواهش می‌کنم از ایشان که ضرورت اجرای طرح تاریخ شفاهی را برای ما در زمینه تئاتر کودک و نوجوان در کانون پرورش فکری بیان بکنند.

استاد مسلم قاسمی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. با سلام و احترام خدمت عزیزان. خیلی خوشبختم که امروز در خدمت بزرگوارانی چون شما می‌خواهیم خیلی راحت و نه چندان خیلی جدی و کلاسیک صحبت بکنم و چون قرار است تاریخ تئاتر کانون که استادمان فرمودند، رنسانسی در کار تئاتر کودک ایران هست صحبت بکنم؛ اجازه بدهید رجوع کنم به یک سری موارد که بر روی کاغذ نوشته شده است.

دهه چهل و پنجاه را می‌توان به نوعی رنسانس فرهنگی و ادبی ایران دانست. در این سال‌ها بزرگانی پای به عرصه ادبیات و هنر این مرز و بوم نهادند که به جامعه رسته از جنگ و قحطی و اختناق پهلوی و میراث حقارت بار قاجار رنگ و بوی دیگری بخشیدند و این نسیم حاصل

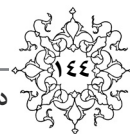


جریاناتی بود که همگی در مقطعی از تاریخ این مملکت دست‌به‌دست یکدیگر دادند و آن شرایط را به‌وجود آوردند که ثمراتش نوعی آگاهی و برون رفت از رخوت و سستی و جهالت بود. جریانات روشنفکری تجددطلبی، آزادی‌خواهی و در این مقطع اشعار و مقالات تند و یک بُعدی جای خود را به ادبیاتی آرمانگرا و هدفمند سوق دادند. دانشجوهای تحصیل کرده هم آمدند و آموزش و پرورش مدرن از شکل مکتب‌خانه‌ای به آموزش و پرورش مدرن برگرفته از مدارس فرنگ تبدیل شد و شوق خواندن و فقر دانستن را بیشتر نمایان می‌ساخت. در این بین کودک و آینده‌ساز این جامعه بیش از همه مورد توجه واقع می‌شد و نگاه تحقیرآمیز و نادان به کودک باید دچار تغییراتی اساسی می‌گشت. تقریباً شرایط حرکتی ریشه‌ای و زیربنایی برای روشنفکران جامعه مهیا شده بود. توجه به کودکی که تشنه دانستن بود. در این فرصت کوتاه گفتگو درباره شکل این حرکت و اندیشه‌هایی که شاید در پشت این حرکت می‌توانست باشد و نگاه ابزاری و سیاسی، ممکن نیست. اینجانب فارغ از هرگونه تحلیل‌های معمول به‌عنوان نوجوانی که خود را در این حرکت شناخته و مهر و محبت و فضای خلاق را در گوشه گوشه این فضا لمس کرده است، با سربلندی و افتخار می‌گوید: «چه خوشبخت بودیم ما که در آن فضای کودکانه و خلاق رشد کردیم و خودمان را شناختیم.»

ده‌ها سال از ثبت اولین اجراهای کودکان توسط مرحوم باغچه‌بان - که عزیزان فرمودند می‌گذرد - بعدها در مدارس نیز گروه‌های تئاتری به نوعی شکل می‌گیرند. همچنین گروه‌هایی با نمایش‌های کمدی، ژانگولک بازی و سیاه‌بازی، بچه‌ها را می‌خندانند اما هیچگاه این حرکت‌های کوچک و پراکنده به مرحله شدن نمی‌رسند، تا سال ۱۳۴۴.

[در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرح دیبا و لیلا امیرارجمند نقش زیادی داشتند ...]. خانم ارجمند که آغازکننده این حرکت به نوعی هست، وقتی ایشان از خارج می‌آید به ایران می‌گوید: «مدتها به این فکر می‌کردم، فکر می‌کردم که چگونه می‌توانم کتاب و کتابخوانی را در بین کودکان وطنم نهادینه کنم. گاهی اوقات با اندوخته‌ای تعدادی کتاب تهیه می‌کردم و با عده‌ای به مدارس می‌رفتم و آن‌ها را بین بچه‌ها تقسیم می‌کردیم. ما می‌خواستیم، توانش را هم داشتیم، اما بستر مناسبی برای انجام گستره خواسته‌هایمان نبود.»

بنابراین با دوستی‌ای که با فرح داشته است، این خانم ارجمند می‌روند صحبت می‌کنند و از ایشان می‌خواهند که یک کتابخانه درست کنند که بچه‌ها بیایند کتاب بخوانند. حُب ایشان هم با نگاهی که داشته است، با تحصیلاتی که در فرانسه داشتند و با نگاهی به ادبیات، قبول می‌کنند و کتابخانه‌ای در پارک لاله احداث می‌کنند. پشت‌بند این کتابخانه، کتابخانه‌ای در باغ شاه، انباری در کتابخانه مدرسه شایسته افتتاح می‌کنند که بنده کنار آن خانم ثبت‌نام کردم و از همان موقع در کتابخانه کانون پرورش بودیم تا الان که هنوز هم به نوعی خودمان را، کانونی می‌دانیم. پشت‌بند آن، کتابخانه‌هایی در شهرستان شروع می‌کند به باز شدن و افتتاح شدن. مریبانی



بسیار کارآزموده و دلسوز می‌آیند و در این جاها مشغول کار می‌شوند و بزرگانی چون م. آزاد، مثل آقای قاضی، قاضی میرسعید، نصرت کریمی و افراد بزرگی هم می‌آمدند در کتابخانه‌ها کتابخوانی می‌کردند، فیلم نشان می‌دادند و یواش یواش بستر هنری در آن‌ها ایجاد شد. مثل روزنامه‌نگاری، فیلم‌سازی، تئاتر، خط و نقاشی و این مسائل در آنجا رشد پیدا کرد. این همه را گفتیم تا به این نکته برسیم، کوپر خشکی که کتاب تغذیه آن باشد، قطعاً به هنر و شکوفایی در فرهنگ خواهد انجامید. خُب ایشان هم با نگاهی که داشته است، با تحصیلاتی که در فرانسه داشتند و با نگاهی به ادبیات قبول می‌کنند و کتابخانه‌ای در پارک لاله احداث می‌کنند. پشت‌بند این کتابخانه، کتابخانه‌ای در باغشاه، در انباری در کتابخانه مدرسه شایسته افتتاح می‌کنند که بنده کنار آن خانم ثبت‌نام کردم و از همان موقع در کتابخانه کانون پرورش فکری بودیم تا الان که هنوز هم به نوعی خودمان را کانونی می‌دانیم.

مسلماً الان سطح فرهنگی ما و سطح مطالعه ما نشان‌دهنده فرهنگ کودکان ما الان باید باشد. تئاتر و اجرای نمایش یکی از لذت‌بخش‌ترین کارهایی بود که بچه‌ها انجام می‌دادند. قبل از اینکه حتی تئاتر کانون شروع بشود، بچه‌ها در کتابخانه‌ها کار تئاتری می‌کردند.

تا اینکه در سال ۱۳۵۰ شخصی به نام دان لافون - فردی آمریکایی بود و در انجمن ایران و آمریکا کار می‌کرد- با شناختی که خانم ارجمند با ایشان پیدا می‌کند، دعوتش می‌کند که «شما بیایید یک طرحی بدهید برای تئاتر کودک در کانون پرورشی». جالب است ایشان با مطالعه و مشاهده چندساله تئاتر کودک و نبود واژه‌ای جدی به نام تئاتر کودک در ایران، طرحی را پیشنهاد می‌دهد که در این فرصت نمی‌گنجد. خُب طرحش خیلی مسائلی را ایراد می‌کند.

دان لافون می‌گوید که «از این رو باید کار را با یک گروه بسیار با استعداد از بازیگران من شروع بکنم» و در کنارش یک کارگردان ایرانی می‌گوید «مکان برای من مهم نیست. ما چند بازیگر می‌خواهیم که شوق کار کودک داشته باشند و موسیقی، حرکات موزون و ریتم را بشناسند و دلشان بخواهد برای کودکان کار بکنند و یک وسیله‌ای که بتوان با آن به سراسر نقاط ایران رفت و تئاتر را برای کودکان و نوجوانان نشان داد».

در هر صورت در آخر می‌گوید: «و ما احتیاج داریم گروه‌هایی به این عزیزان اضافه بکنیم که آهسته آهسته بتوانند با وسایل به نقاط مختلف کشور بروند و کار بکنند». یکی از مسائل مهمی که ایشان می‌گوید این است که: «به این ترتیب احساس می‌کنم ما می‌توانیم تأثیر بسیاری بر روی کودکان ایران بگذاریم و شاید بتوانیم به دنیا نشان بدهیم همانقدر که در کار فیلم و ادبیات کودکان جدی هستیم، در مورد تئاتر کودک نیز جدی باشیم».

خُب ما تازه شروع کردیم آقای کیانیان! در هر صورت قبل از اینکه تئاتر کانون شروع بشود، ما مهمانانی داشتیم که می‌آمدند در ایران به دعوت کانون پرورش کار می‌کردند. یعنی زمینه تئاتر



در کانون پرورش بود. خانم ارجمند یک تقاضایی می‌کند از دان لافون و دان لافون یک تقاضایی می‌کند، دلش می‌خواهد اولین کارها، کارهای کودکانه، کارهای حرفه‌ای باشد. بنابراین از آقای بیژن مفید، از آقای غلامحسین ساعدی و از آقای بیضایی دعوت می‌کند که کارهایی را بنویسند. از آنجایی که آقای دان لافون بیژن را می‌شناسد، در شهر قصه و گرایش‌های نمایش ایرانی، با ایشان دعوت بیشتر برای همکاری می‌کنند و نمایشنامه ترب و کوتی موتی نوشته می‌شود. از این طرف گروه‌هایی را دعوت می‌کنند، دانشجویانی را دعوت می‌کنند. اینها را گزینش می‌کنند و پنج شش نفر را انتخاب می‌کنند به عنوان بازیگران. با اینها کارهای بسیار می‌شود و اساتیدی روی آن‌ها کار می‌کنند و نمایش‌های ترب و کوتی موتی و نمایش خورشید خانم آفتاب کن از آقای رضا بابک - آن دو تا نمایش مال مفید بوده است - اینها را کار می‌کنند. اینها در مؤسسه‌ها و بهزیستی و اینها نمایش اجرا می‌کنند و نمایش کودک گسترش پیدا می‌کند، نیاز به گروهی نوجوان ایجاد می‌شود.

این عزیزان در کتابخانه‌ها با بچه‌ها مثل ما کار تئاتر می‌کردند و قرار می‌شود اینها ما را انتخاب بکنند از این گروه افرادی را انتخاب بکنند، گزینش بکنند، آموزش بدهند و یواش یواش بیابند توی این رده و شروع بکنند کار کردن که ما در کنار اینها شروع می‌کنیم کار کردن: منشی‌گری، طراحی صحنه، صحنه جاروکن و ... در کنار اینها بودیم، تا یواش یواش به‌حدی رسیدیم که توانستیم در کارهای حرفه‌ای رسوخ بکنیم و دنباله آن صداها و ده‌ها اجرایی بود که هم با گروه حرفه‌ای، هم بدون گروه حرفه‌ای توسط تریلی سیار تئاتر - که در دنیا چهار تا از این تریلر بود و آقای لافون در همان سال‌های اولیه سفارش داده بود - اجراهای وسیعی را در سراسر کشور ما با گروه‌های حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای که بعداً به نوعی از ما جدا شدند، انجام دادیم. این بردن تئاتر کودک و تئاتر خلاق به قلب روستاهای کشور بود. در کنار این، نیاز نمایش عروسکی احساس شد.

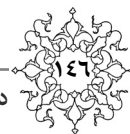
استاد کیانیان! من دیگر خیلی دارم می‌گذارم کنار این نوشته را.

استاد کیانیان: خواهش می‌کنم. لطف دارید. ممنون هستم از شما.



استاد قاسمی: از

آنجا آقای اسکار باتک یک کارگردان چکسلواکی بود - که عزیزان، استادمان جناب آقای وفاداری هم از دانشجویان ایشان بودند و عزیزان دیگر - دعوت می‌کنند که از هنرهای دراماتیک بیابند اینجا شروع



کنند به کار کردن. ایشان توسط مرحوم اردشیر کشاورزی که هم مترجم ایشان بوده است و هم دانشجو، تشریف می‌آورند. اولین نمایشی که با خود همین گروه حرفه‌ای کار می‌کنند، «حادثه ای در شهر عروسک‌هاست» که می‌آیند و این کار انجام می‌شود. حتی کاری می‌کنند که خود بازیگرها عروسک‌ها را می‌سازند و بعد نیاز عروسکی احساس می‌شود و کلاس‌های عروسکی، اما از همه مهم‌تر در کنار این مسائل، مسئله آموزش تئاتر خلاق هست. تمام این حرف‌ها را که می‌زنیم می‌خواهم به حرف استاد وفاداری برسم. یعنی یک صاحبی برای این کار پشت قضیه بود که زمینه و فضای خلاق را ایجاد کرده بود.

شروع کردند دانشجویان را از دانشگاه‌های هنر بگیرند و آموزش تئاتر خلاق بدهند و اینها به عنوان مربیان در سرتاسر کتابخانه‌های کشور کار بکنند. بیست و هشت مربی را آموزش دادند و در شصت و شش تا هفتاد کتابخانه هر هفته ما آنجا برنامه داشتیم. در سنج، مهاباد، کرمان، زابل هر هفته این مربیان می‌رفتند هم خانواده‌شان را می‌دیدند و هم برای کودکان و نوجوانان کلاس تئاتر داشتند. بنابراین کانون پرورش با این حرکت رسوخ کرد در مجامع کودکانه و واقعاً سال‌های بسیار درخشانی بود. در جشنواره‌های مختلف شرکت کردند. کارهای بعدی‌شان شاپرک خانم بود، آریا داکاپو بود - غیر از ترب و کوتی موتی - رستم و سهراب بود و روباه و عقاب که تمام این کارها تا سال پنجاه و هفت اجرا شد و بعد از رفتن و تغییر سیاست، متأسفانه تمام برنامه‌هایی قبل که اجرا می‌شد، عوض شد و تغییر کرد و حتی کلاس‌های تئاتری که ما مربی‌اش بودیم با چند مربی ادامه پیدا کرد و تمام شد. بعد از آن کسانی که آمدند اتفاقاً همان خلاقیت‌ها را داشتند. نکته مهم این است که وقتی که آقای دان لافون رفت نه پرونده‌ای پاره شد، نه گم شد. یعنی هر کس رفت، آقای باتک رفت، تمام [کار] ادامه پیدا کرد؛ چون هدفمند بود. چیزی از حرکت باز نایستاد.

افرادی که بعداً آمدند خیلی سریع [کار را به دست گرفتند]. یک گروه شورایی آمدند، دوسال کار کردند. جناب غریب‌پور آمدند با برنامه‌هایشان، بعد از جناب غریب‌پور یک سری کارهای نمایشی آمد، کارهای تألیفی انجام شد و یک سری اجراهایی را انجام دادند و بعد از ایشان کامبیز صمیمی مفخم آمد، بعد دکتر عزیزی آمد - یعنی می‌خواهم بگویم چقدر سریع مسئول عوض شد - بعد از آن استاد کیانیان آمدند. یک ده سالی بودند.

ایشان هم اجراهایشان را انجام دادند. جشنواره‌ها را دوباره به راه انداختند. جشنواره‌های داخلی کانون را به راه انداختند؛ کتاب چاپ شد؛ تریلی سیار که به جنگ رفته بود - در زمان جنگ، این تریلی با این عظمت رفته بود شده بود پشت جبهه برای بهداری و این چیزها - دوباره به کار گرفتند. خلاصه می‌خواهم یک چیز را بگویم که بعد از ایشان چند نفر دیگر هم آمدند، همه خلاق بودند - به غیر از چند تا آخری - همه می‌توانستند آن را ادامه بدهند، ولی سیستمی که برنامه‌ریزی شده بود، بعد از انقلاب این اجازه را به دوستان عزیز نمی‌دادند که آن روش را ادامه بدهند و در آخر



کلام، دورانی فراموش نشدنی بود و [همه] ما - عزیزانی که همراه ما هستند - فکر می‌کنیم که می‌شود آن دوران را تکرار کرد؛ با تئاتر خلاق در آموزش و پرورش. انشاءالله که با دید بسته آموزش و پرورش بتوانیم کاری را ادامه بدهیم.

استاد کیانیان: بسیار سپاسگزاریم جناب قاسمی، محبت کردید.

استاد قاسمی: خیلی چیزها گفته نشد.

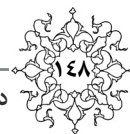
استاد کیانیان: همین طور است. صحبت از دوران طلایی تئاتر کودک و نوجوان واقعاً بسیار دلنشین است و بسیار وسیع و عمیق است که متأسفانه ما در واقع فقط اشاره‌ای به آن خواهیم کرد. از این فرصت استفاده می‌کنم از جناب آقای عزیزی، رئیس پژوهشکده که محبت کردند در جلسه تشریف آوردند تشکر می‌کنم و امیدواریم که بتوانیم از بیانات ایشان هم اگر محبت داشته باشند، استفاده بکنیم.

... الان سه تا سخنران دیگر داریم که در خدمت‌شان هستیم. بسیار ممنونم از اظهار محبت شما. خُب در این بخش می‌خواهیم از استاد عباس جهانگیریان خواهش بکنیم که بحث ضرورت اجرای طرح تاریخ شفاهی را در تئاتر و نمایش عروسکی کودک و نوجوان در رادیو و تلویزیون برای ما بگویند. جناب جهانگیریان نویسنده هستند. نمایشنامه‌نویس، پژوهشگر، مدرس، فعال تئاتر کودک، رمان‌نویس. جوایز بسیار ارزنده آثار ایشان برده است و از داورهای بسیار خوب تئاتر کودک و نوجوان ما هستند. از ایشان خواهش می‌کنیم که صحبت خودشان را شروع بفرمایند.

استاد عباس جهانگیریان

به نام دوستدار و حامی کودکان. من تشکر می‌کنم از شما که در این ساعتی که ما اصولاً به آن می‌گوییم ساعت چرت‌آلود، شما سرزنده و مشتاق به حرف‌های دوست‌های ما گوش دادید و همین یک اشتیاقی در من ایجاد کرد که من هم نگران نباشم. البته من صحبت‌هایم خیلی کوتاه است. سه، چهار صفحه بیشتر ننوشتم. چون مطالب من مبتنی بر ارقام و تاریخ هست، من این را مکتوب کردم و مجبور هستم بخوانم برایتان.

نمی‌شود از تاریخ تئاتر کودک در تلویزیون گفت - در واقع از تاریخ تئاتر کودک صحبت کرد - بدون اینکه به تاریخ خود تلویزیون بپردازیم. در تیرماه ۱۳۳۷ مجلس شورای ملی لایحه تأسیس یک شبکه تلویزیون را تصویب می‌کند. حبیب‌الله ثابت پاسال بی‌درنگ اقدام به دریافت پروانه و مجوز تأسیس یک شبکه تلویزیونی می‌کند به نام تلویزیون ایران و اولین فرستنده تلویزیونی در ایران در ساعت پنج بعداز ظهر یازدهم مهر ۱۳۳۷ فعالیت خود را با چند برنامه گزارشی زنده آغاز می‌کند. این شبکه از پرداخت مالیات معاف است و هزینه‌های خود را بیشتر با آگهی تأمین می‌کند. ابتدا با روزی چهار ساعت پخش برنامه، از ساعت هیجده تا بیست و دو و بعد که یک ساعت به



این زمان اضافه می‌کند. در آغاز همه برنامه‌ها خارجی بودند اما کم‌کم با تولید تئاتر و برنامه‌های نمایشی حال و فضایی ایرانی پیدا می‌کند. تلویزیون ایران با همکاری اداره هنرهای دراماتیک و هنرهای زیبا و شش گروه تئاتری تشکیل می‌شود که بانی و هماهنگ کننده این گروه‌ها عباس جوانمرد است.

گروه عباس جوانمرد یا همان گروه هنر ملی، گروه عزت‌الله انتظامی، گروه جعفر والی، گروه خلیل دیلمقانی و گروه رکن‌الدین خسروی. یادآور می‌شوم دکتر رکن‌الدین خسروی به همراه دکتر مهدی فروغ از طراحان و بنیانگذاران دانشکده هنرهای دراماتیک هم هستند که بعد از انقلاب به نام دانشکده سینما-تئاتر به فعالیت‌های آموزشی خود ادامه داد. اولین تئاتری که در سال ۱۳۳۸ از تلویزیون ایران پخش می‌شود، نمایش مارگریت نوشته آرمان سالاکر و ترجمه شاهین سرکیسیان است که به کارگردانی عباس جوانمرد به نمایش در می‌آید. این نمایش‌ها هواداران زیادی در میان مردم پیدا می‌کند. به همین دلیل دوربین‌های تلویزیون ایران کم‌کم به نمایش‌های آزاد و کمدی‌های لاله‌زاری هم سرک می‌کشند.

گروه محمدعلی جعفری و علی منظوری، طرفداران زیادی میان مخاطب عام پیدا می‌کنند. چندسال بعد گروه حمید سمندریان و داوود رشیدی هم به جمع تولیدکنندگان تئاتر تلویزیونی می‌پیوندند. غیر از آثاری که دکتر حسینعلی طباطبایی، مسعود کریم، ناصر توفیقیان، اسماعیل شنگله، پری صابری، پرویز تایی‌دی، حسین پرورش، داریوش مودبیان، منوچهر کی‌مرام، حمید سمندریان، رضا کرم‌رضایی، ایرج زهری، صفدر تقی‌زاده، علی صفریان ترجمه می‌کنند، متن‌هایی از طرف نصرت پرتوی همسر عباس جوانمرد، بهرام بیضایی، ناصرشاهین‌فر، احمد نوربخش، اکبر رادی، اسماعیل خلیج، بهمن فرسی، علی نصیریان، غلامحسین ساعدی یا گوهرمراد، ابوالقاسم معارفی و ته‌مینه میرمیرانی تولید و پخش می‌شود.

از آنجا که این نمایش‌ها ضبط نمی‌شد و به‌صورت زنده به روی آنتن می‌رفت اثری از آن برجای نمانده است. پس از آنکه تلویزیون ایران میان مردم جا باز می‌کند، دولت وقت به فکر می‌افتد شبکه دولتی راه‌اندازی کند. سازمان برنامه و بودجه یک گروه فرانسوی را مأمور بررسی و طراحی یک شبکه تلویزیونی می‌کند.

سرانجام در سال ۱۳۴۵ تلویزیون ملی ایران از طریق فرستنده‌ای که از بام هتل هیلتون تهران قرار می‌دهد فعالیت رسمی خود را آغاز می‌کند. اولین تئاتری که تلویزیون ملی ایران پخش می‌کند نمایش آفتاب مهتاب، نوشته علی حاتمی است که به کارگردانی عباس جوانمرد تولید می‌شود.

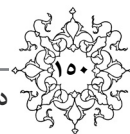
در سال ۱۳۴۸ دولت، تلویزیون حبیب ثابت پاسال را می‌خرد و از آن پس تلویزیون ملی ایران به نام کانال یک و تلویزیون ایران به نام کانال دو به فعالیت خود ادامه می‌دهد. مخاطب کانال یک، عام است و کانال دو که برد کمتری دارد به‌عنوان یک شبکه فرهنگی و آموزشی به تولید

برنامه می‌پردازد. بنابر آنچه که در کتاب فرهنگ تئاترهای تلویزیون به ثبت رسیده، در مدت بیست سال تا وقوع انقلاب اسلامی بالغ بر پانصد تئاتر حرفه‌ای در این دو شبکه تولید و پخش می‌شود. تأسیس واحد نمایش در سال ۱۳۴۶ با سرپرستی فریدون رهنما به تمرکز فعالیت‌های تئاتری تلویزیون می‌انجامد. واگذاری این واحد در دهه پنجاه به داوود رشیدی و همسرش خانم احترام برومند موجب گسترش فعالیت‌های تئاتر در این رسانه می‌شود. یکی از این فعالیت‌ها تشکیل گروه کودک و نوجوان واحد نمایش بود که به پیشنهاد و طراحی احترام برومند صورت می‌گیرد.

رضا بابک، بهرام شاه‌محمدلو، سعید پورصمیمی و علیرضا هدایتی از اعضای شورای کودک و نوجوان واحد نمایش بودند. علاقه داوود رشیدی به عنوان مدیر گروه فیلم و سریال و نمایش و مدیر واحد نمایش تلویزیون و تئاتر کودک شرایط مناسبی برای رشد فعالان این رشته چون رضا بابک، بهرام شاه‌محمدلو، اردشیر کشاورزی، مرضیه برومند و هنرمندان دیگر به وجود می‌آورد. رضا بابک با حضور خود در عرصه‌های نویسندگی، بازیگری و کارگردانی در نمایش‌های پنبه دانه، کلاه و شال و اره، دیو و کوزه، باران باران، کوتی و موتی، کدو قلقلی و دیو، برده رقصان و بسیاری آثار دیگر به عنوان پرکارترین - و به گفته داوود رشیدی - پایه‌گذار تئاترهای تلویزیون کودک و نوجوان شناخته شده است.

مرضیه برومند با مدرسه موش‌ها، خانه مادر بزرگه، یک دو با هم، ماجراهای من و آقای اصیل تهرانی، اردشیر کشاورزی با هادی و هدا، کرم شب تاب، بزب قندی، حسنی و لویبای سحرآمیز، سرای خوشبختی، سنجاق آشپز، ماجراهای روباه و خروس، ایرج طهماسب با کلاه قرمزی و پسر خاله، النگ و دولنگ، آسمون و ریسمون، جفجغه و داداشش - که با حمید جبلی کار کردند - و عطر و گلاب بپاشید.

کامبیز صمیمی مفخم با ابر و باد و مه و خورشید، السون و ولسون، ابوالفضل رازانی با کار و اندیشه بیشترین حضور را در عرصه‌های نمایش کودک داشتند. تولید تئاتر چه بزرگسال و چه کودک از نیمه دوم حضور علی لاریجانی بر کرسی ریاست سازمان صدا و سیما و با رفتن احمد پورنجاتی از معاونت سیما، سیر نزولی خود را آغاز می‌کند و چراغ تئاتر کودک در دوران ریاست آقای ضرغامی به سوسو می‌افتد و این کورسو با گروه فتیله‌ها و جمعه تا جمعه که در قالب میان پرده‌های تلویزیونی کار می‌شد آخرین نفس‌های خود را می‌کشد و به حضور خود در این عرضه پایان می‌دهد. من کوتاه عرض بکنم که شخصاً اعتقاد دارم به عنوان مؤلف تاریخ تلویزیون و تاریخ تئاتر تلویزیون (البته تاریخ تلویزیون من چاپ نشده است ولی تاریخ تئاتر در تلویزیون چاپ شده است) اعتقادم بر این است که تئاترهایی که روی صحنه می‌رود به دلیلی که محدوده زمانی دارد - یعنی سی تا اجرا که می‌رود در واقع این تئاتر در هر سالنی، در هر کجای ایران که یک اثری، با ارزش‌ترین اثر، بهترین نمایشنامه‌نویس و کارگردان و بازیگر هم که کار بکنند، با توجه به اینکه



این آثار بعد از سی اجرا در واقع می‌رود به بایگانی تاریخ یعنی برای همیشه فراموش می‌شود- فقط ممکن است در ذهن تماشاگران محدودی که اصولاً میانگینش می‌شود فرض کنید حدود دو هزار نفر است، بماند؛ برای همیشه فراموش می‌شود.

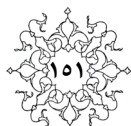
اتفاق خوبی که می‌توانست بیفتد، یعنی آن سنتی که بود قبل از انقلاب و همین واحد نمایش، ... چون تئاترهای تلویزیونی دو گروه هستند. یکی آن‌هایی که در استودیوهای خود تلویزیون تولید می‌شوند، یکی آن‌هایی که می‌روند در صحنه‌ها تئاتر با سه دوربین ضبط می‌کنند. نیمی از آنچه که من مدون کردم در دو شبکه تولید شده است. چون می‌دانید از کارهای اولیه که در تلویزیون کار شد، هیچ اثری نمانده است. چون اینها ضبط نمی‌شد، فقط پخش می‌شد. اما آنچه که ضبط و پخش شد در تلویزیون و در آرشیو الان هست و من اینها را دیدم، تقریباً نیمی از اینها در خود دو شبکه تولید شد و نیمی در تالارها.

حالا اینها را به استودیوها دعوت کردند یا در همان خود تالارها ضبط کردند. منتها متأسفانه کم‌کم در دهه شصت تا هفتاد تا اندازه‌ای این اتفاق افتاد ولی کم‌کم در دوره ریاست آقای ضرغامی هم طبق این کتابی که من نوشتم - اگر جدول را نگاه کنید- تقریباً تولید تئاتر در تلویزیون در دوره ریاست آقای ضرغامی به صفر می‌رسد.

می‌ماند بخش کودک و نوجوان که به‌غیر از کلاه قرمزی که ادامه پیدا کرد و پایه‌گذاری آن مال گذشته بود. یک مقداری حالا گاه‌گاه در قالب میان‌پرده اشاره کردم به همین جمعه تا جمعه که آقای آویژه کار می‌کردند در آن مجموعه آقای مجید قناد، گروه فتیله‌ها بودند، آن‌ها هم به صورت میان‌پرده کار می‌کردند. البته گروه جمعه تا جمعه تعطیل شد ولی گروه فتیله‌ها گویا ... نمی‌دانم، آقای اکبرلو خبر دارید که فتیله‌ها برگشتند یا برنگشتند بعد از آن سوءتفاهمی که پیش آمد برای هم وطن‌های آذری زبان ما که دیگر برنگشتند.

امیدوار هستم که همان‌طوری که آقای کیانیان اشاره کردند ما تاریخ سرزمین خودمان را مدون کنیم. کشور و ملتی که تاریخ ندارد، هویت ندارد، حافظه ندارد. یعنی ما بنشینیم تاریخ مملکت خودمان را مدون نکنیم. من خوشحال هستم که یازده کتاب من از چهل کتابم تاریخ است. تاریخ ایران هست و خیلی علاقه‌مند هستم که این کار را ادامه بدهم و الان هم مشغول همین مسئله هستم و همان‌طور که اشاره کردم بسیاری از اتفاق‌ها که باید می‌افتاد، هنوز نیافتاده است. مثلاً تاریخ کانون پرورش فکری، تاریخچه راه‌آهن، تاریخچه مخابرات و تاریخچه همین تالارهای تئاتر. مثلاً تالار هنر، تئاتر شهر، تالار رودکی یا وحدت. اینها اتفاق‌هایی هست که باید بیفتد و ما هم با این آرزوها زندگی می‌کنیم.

استاد کیانیان: بسیار متشکریم جناب آقای جهانگیریان چقدر مؤثر و در زمان مشخص شده این مسائل را عنوان کردید و سپاسگزارم که از طرف دوستان که این کتاب‌های ارزشمندتان



را هدیه کردید. البته من عرض بکنم که تمام دوستان ما کتاب آورده‌اند و بخش عمده این کتاب‌ها به اینجا هدیه خواهد شد. یک صحبتی هم با مسئول کتابخانه اینجا شده است به صورت شفاهی که انشاءالله ما آن بخش تئاتر کودک و نوجوان را با همکاری بنیاد نمایش تکمیل خواهیم کرد و افکار مختلفش را ارائه خواهیم داد. از جمله مثلاً حتی فیلم‌های اجرا شده را، امیدوار هستیم بتوانیم بیاوریم اینجا تقدیم بکنیم که این آرشو بتواند کامل بشود. جناب آقای عزیزی، شما صحبت می‌کنید؟

غلامرضا عزیزی: بسم‌الله الرحمن الرحیم. تشکر می‌کنم از حضور شما. عذرخواهی هم می‌کنم.



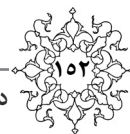
به عنوان یک کودک سابق و علاقه‌مند به تئاتر کودک سابق، هم در کانون پرورشی ... دوستان که می‌فرمودند برای من خاطره بود و برعکس دوستان که خاطره کارهای انجام شده‌شان را می‌گفتند، من خاطره آن

چیزهایی را که مثلاً آنجا دیده بودم، در ذهنم مرور می‌کنم. در آغاز بین کودکی و نوجوانی در کانون پرورش و بعد از آن کانون‌های فرهنگی حداقل دنبال می‌کردیم. واقعاً امروز احساس غرور می‌کنم که در این جلسه هستیم. ولی از این بابت که نتوانستم زودتر حضور داشته باشم از خدمت‌تان عذرخواهی می‌کنم.

امیدوارم که بتوانیم قسمتهایی از مقالاتی که ارائه شد را در دو فصلنامه تاریخ شفاهی، به‌عنوان یک پرونده ویژه تاریخ شفاهی تئاتر کودک در شماره بعدی‌مان که انشاءالله به زودی زیرچاپ خواهد رفت، منتشر کنیم. باز هم عذرخواهی می‌کنم.

استاد کیانیان: خواهش می‌کنم. سپاس از شما که لطف کردید. ما هنوز دوتا سخنران دیگر داریم. ما این جوان‌ها را گذاشتیم برای آخرتر. اینها خیلی انرژی‌شان بیشتر است. جناب آقای اکبرلو در این بخش عرض بکنم در مورد تاریخ تئاتر کودک و نوجوان از انقلاب به این طرف تا اکنون قرار است توی تمام زمینه‌ها صحبت بکنند. ایشان اگر خاطرتان باشد، برنامه‌های تلویزیون را دیده باشید مجری مجله تئاتر بودند و بسیار اشراف دارند به مسائل تئاتر جدی و به‌ویژه در زمینه تئاتر کودک و نوجوان. نمایشنامه می‌نویسند، نویسنده هستند، محقق هستند، مترجم هستند.

استاد دانشگاه، فعال تئاتر کودک و عضو فعال بنیاد نمایش کودک، از ایشان خواهش می‌کنیم که در این زمینه صحبت‌های خودشان را شروع بکنند.

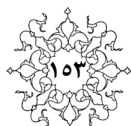


استاد منوچهر اکبرلو

به نام خدا. خیلی خوشحال هستم که اینجا هستم. درباره تئاتر کودک پس از انقلاب می‌خواهیم صحبت کنیم. بخشی از حوزه فعالیت‌هایی که به شخص برمی‌گردد یا به نهادهای مربوطه که برمی‌گردد بعضی‌هایش قبل از انقلاب بوده است که دوستان زحمتش را کشیدند. مشخصاً آموزش و پرورش و کانون، من اسم از آن‌ها می‌آورم. فقط فعالیت‌های پس از انقلاب آن‌ها را می‌گویم و البته نهادها و جریان‌هایی که فقط پس از سال پنجاه و هفت در ایران در رابطه با تئاتر کودک شکل گرفت. بنابراین نهادهایی که بوده را من حالت مقایسه‌ای، ادامه‌اش را پس از انقلاب می‌گویم و چیزهایی که فقط پس از انقلاب شکل گرفته است.

ما پیش از انقلاب دارالفنون را داشتیم که استاد خلیج به‌خوبی توضیح دادند که بعد از انقلاب دیگر فعالیت تئاتری ندارد و فقط یک مرکز تربیت معلم آموزش و پرورش است. آغازگر جبار باغچه‌بان است و این آغازگران که انفرادی و خودجوش فعالیت می‌کردند، از ایشان شروع می‌شود. افرادی دیگر قبل از انقلاب را ذکر کردند. پس از انقلاب نهادهای مختلف و وابسته به نهادهای مختلف که صحبت خواهم کرد، به‌صورت در واقع نهادهای در نهادها و بعد بعضاً به‌صورت انفرادی فعالیت‌های خودشان را دارند. وقتی نهادها را گفتم درباره اهداف هم صحبت خواهیم کرد.

ما قبل از انقلاب اداره فعالیت‌های هنری سمعی-بصری داشتیم. سال‌های بین ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ در وزارت فرهنگ - امروزه ما به آن می‌گوییم وزارت آموزش و پرورش - شکل می‌گیرد که بعد از انقلاب تغییراتی پیدا می‌کند. برای ریز آن فرصت صحبت نیست که بعد از انقلاب به دفتر تکنولوژی آموزش و پرورش تبدیل می‌شود و بعد قسمت‌هایی پیدا می‌کند مثل بخش پژوهش امور هنری و گروه عروسکی در آن شکل می‌گیرد و از سال ۱۳۷۰ صرفاً می‌شود دفتر تکنولوژی آموزشی که بیشتر می‌شود گفت تقریباً فقط در حوزه فیلم آموزشی فعالیت می‌کند و دیگر فعالیت تئاتری پس از انقلاب ندارد و مهم‌ترین فعالیتش جدای از تولید فیلم‌های آموزشی، برگزاری جشنواره مهم فیلم رشد هست که تنها جشنواره‌ای در ایران هست که در واقع از پیش از انقلاب شروع شده و پس از انقلاب هم در واقع ادامه دارد. یک چیزی حدود چهل‌مین دوره‌اش هست. ما پیش از انقلاب، اداره کل امور تربیتی را داشتیم که اسفند ۱۳۴۲ تشکیل می‌شود و برای پرکردن اوقات فراغت دانش‌آموزان فعالیت‌های فوق‌برنامه دارد که یکی هم در واقع تئاتر است. خُب ما پس از انقلاب هم امور تربیتی را داریم که به نام امور تربیتی یا -اسم دیگرش- معاون پرورشی ادامه پیدا می‌کند که هنوز وجود دارد و آن چیزی که مربوط به تئاتر دانش‌آموزی هست، یکی دوره‌های ضمن خدمت است که برای مربیان می‌گذارند، مربیان پیش‌دبستانی و بعضاً معلم‌های ابتدایی و فعالیت جدی و همگانی که هنوز هم ادامه دارد، برگزاری جشنواره تئاتر دانش‌آموزی است که از مدارس شروع می‌شود، مناطق استانی و بعد کشوری هر سال در رامسر یا باغورد نیشابور گذاشته



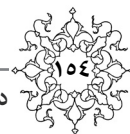
می‌شود. بنابراین امور تربیتی به‌شکل معاونت پرورشی در واقع تغییرنام می‌دهد و بعد با برگزاری جشنواره‌ها صرفاً و بعضاً آموزش - البته آموزش را بخش آموزش در آموزش و پرورش انجام می‌دهند و نه امور تربیتی چون معاون پرورشی فقط جشنواره‌های تئاتر دانش‌آموزی را تا سطوح مختلف کشوری برگزار می‌کند.

نهاد دیگری که از پیش از انقلاب شروع می‌شود، سازمان ملی پیش‌آهنگی است که وابسته به سازمان جهانی پیش‌آهنگی است که کارش ترویج حرفه‌های مختلف است. یکی از فعالیت‌هایش تئاتر هست. من خودم تجربه این را داشتم در سن دانش‌آموزی و نشریات مختلف آموزشی داشتند و امتحان می‌گرفتند و نشان لیاقت می‌دادند. نمی‌دانم کسی تجربه دارد یا نه - البته خانم‌ها که خُب سن‌شان هیچ موقع به هیچی قد نمی‌دهد و همیشه جوان هستند - ولی آقایان احتمالاً ممکن است تجربه دانش‌آموزی قبل از انقلاب را داشته باشند احتمالاً تجربیاتی در این زمینه داشتند و تشکیل گروه‌های نمایش مخصوصاً نمایش‌های عروسکی در واقع یکی از فعالیت‌های سازمان پیش‌آهنگی بود. گروه شاخصی که تشکیل شده بود در سازمان پیش‌آهنگی به نام آدمک بود که یکی از افرادش در واقع شاید بشود گفت تنها کسی که هنوز تئاتر کودک کار می‌کند، دکتر وفاداری هستند که تشریف بردند. خُب سازمان ملی پیش‌آهنگی پس از انقلاب تا سال ۵۸ یعنی یک سال پس از پیروزی انقلاب ادامه پیدا می‌کند، ولی عملاً دیگر فعالیتی نمی‌کند. اسفند ۵۸ منحل می‌شود و می‌رود زیر نظر آموزش و پرورش. امروزه ما اینها را به‌عنوان کانون‌های فرهنگی تربیتی آموزش و پرورش می‌شناسیم.

حدود هفت، هشت تا هستند. تعدادی هم تعطیل شدند یا کاربردها تغییر پیدا کرده است. ولی میدان راه آهن، میدان شوش، در خیابان شریعی، کانون‌هایی که رو به روی حسینیه ارشاد هستند، در واقع اکنون زیر نظر امور تربیتی معاونت پرورشی آموزش و پرورش هستند. نهاد دیگری که پیش از انقلاب بوده است، انستیتوی تربیت معلم بود که از بین معلم‌های هنر، افرادی انتخاب می‌کردند و در رشته‌های مختلف از جمله تئاتر آموزش می‌دادند که عملاً بعد از انقلاب چنین چیزی وجود ندارد.

ما تربیت معلم داریم ولی اینکه بخواهد معلم‌ها را شناسایی بکند و تئاتر آموزش بدهد که بروند با این تخصص در مدرسه با بچه‌ها کار کنند، عملاً دیگر پس از انقلاب وجود ندارد. تنها کسی که از خروجی‌های این دوره هست که هنوز در تئاتر کودک هست، سرور گرامی دکتر کیانیان هستند که اتفاقاً اولین تجربه رسمی آموزشی‌شان را در این انستیتو داشتند.

نهاد دیگری که پیش از انقلاب بوده است، سازمان جوانان شیر و خورشید است که در اکثر شهرها سالن نمایش داشتند. مثل این که امروزه شهرداری‌ها سالن نمایش دارند یا ادارات ارشاد این کار را می‌کنند، پیش از انقلاب بیش از هر چیزی سازمان ملی شیر و خورشید داشته است و



جشنواره داشتند و مسابقه داشتند.

از آموزشگاه‌ها شروع می‌شد تا [سطح] کشوری مثل آموزش و پرورش. پس از پیروزی انقلاب شیر و خورشید می‌دانید که به سازمان هلال احمر تبدیل شد. پخش فعالیت‌های جوانانش به نام سازمان جوانان هلال احمر شد که هنوز فعالیت می‌کند. البته متأسفانه بعد از انقلاب، دیگر فعالیت هنری به معنی تئاتر وجود ندارد.

اما چیزی که او را به تئاتر کودک وصل می‌کند، هنوز وجود سالن‌هایش است. ما هنوز در خیلی از شهرهای ایران در سالن هلال احمر تئاتر اجرا می‌شود، از جمله تئاتر کودک. بسیاری شهرهای ما که سالن هلال احمر دارند، اما سالن مثلاً ارشاد ندارند. یا شهرداری‌شان فعال نیست یا پتانسیل مالی وجود ندارد ولی سالن هلال احمر وجود دارد.

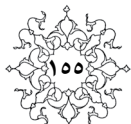
کانون را که زحمتش را جناب قاسمی کشیدند که از سال ۵۱ با آمدن دان لافون شروع می‌شود. پس از انقلاب ادامه پیدا می‌کند هنوز هم هست. البته زیر نظر هیئت امنایی هست و زیر نظر آموزش و پرورش فعالیت می‌کند و هنوز هم که هنوز است فعالیت می‌کند. آخرین تغییری که کرده است بخش تئاتر و سینما در هم ادغام شده است و در واقع تحت یک مدیریت دارد فعالیت می‌کند.

خیلی‌ها معتقد هستند که بزرگترین اشتباه چارت سازمانی در واقع کانون در زمینه تئاتر کودک می‌تواند همین باشد. ولی در هر صورت فعال است. سالن رسمی آن در پارک لاله است. دوتا سالن بوستان و گلستان دارد، یک سالن دیگر هم داشت که متأسفانه فعالیت تئاتری در آن انجام نمی‌شود. در کتابخانه مرجع سالن حجاب مرکزی وجود دارد، رو به روی سینمای آزادی. ولی خارج از سازمان فعالیت‌های آموزشی دیگر آن وجود دارد.

یکی از نهادهایی که شاید بشود گفت تنها نهادی است که خارج از ایران به‌عنوان متولی تئاتر کودک می‌شناسند، مرکزی است به نام مرکز جهانی تئاتر کودک که در واقع بیشتر ارتباطش با داخل کشور، اگر بخواهد با نهادی فعالیت کند، فقط با کانون ارتباط دارد.

حالا اگر از پتانسیل آن استفاده می‌شود یا نه، این یک بحث آسیب‌شناسی است که موضوع این جلسه نیست که وضعیت ارتباطات ما با خارج از مرزها چگونه است. اینها نهادهایی بود که پس از انقلاب هم وجود دارد و اما می‌آییم سراغ نهادهایی که پس از انقلاب به‌وجود می‌آید.

یک نهادی هم هست که قبل از انقلاب که ربطی به تئاتر ندارد، بعد از انقلاب تئاتر در آن می‌آید که آن نهاد، هنرستان‌ها هستند. هنرستان‌های فنی حرفه‌ای هستند که در سال ۱۲۸۶ تأسیس می‌شود. هنرستان شهید بهشتی در منطقه دوازده طرف‌های بازار اولین هنرستان فنی در واقع ایران هست. سال ۱۳۷۰ اولین بار رشته نمایش وجود دارد. صدا و سیما هم هنرستانی برای خودش دارد که خروجی‌هایش را جذب می‌کند و تأمین نیروی انسانی می‌کند برای فعالیت‌های خودش.



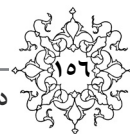
ما اتحادیه انجمن‌های اسلامی داریم که پس از انقلاب و شروع جنگ راه‌اندازی می‌شود و تا سال شصت فعالیت‌های هنری انجام می‌دهد اما بعد فعالیت آن کاهش پیدا می‌کند و تقریباً می‌شود گفت بیشتر فعالیت‌های آموزشی می‌کنند. کنکور و این جور چیزها را در حال حاضر ما بسیج دانش‌آموزی داریم که زیر نظر سپاه شکل می‌گیرد و پایگاهی است برای جذب جوانان برای اعزام به جبهه. بعد از جبهه، فعالیت‌های فرهنگی می‌کنند که جشنواره‌های آن به صورت دسته‌گرفته هنوز برگزار می‌شود. این نهادهایی که بوده است بعد از انقلاب را فقط باید تیتروار بگویم. چیزهای دیگر رادیو تلویزیون که به صورت تخصصی استاد جهانگیریان فرمودند. حوزه هنری سازمان تبلیغات را داریم که در سال ۵۷ شکل می‌گیرد؛ اسم‌های مختلفی دارد. از سال ۱۳۶۰ بخشی از سازمان تبلیغات می‌شود. اول مستقل است به عنوان حوزه هنر و اندیشه اسلامی. همین الان حوزه هنری بخش مربوط به فعالیت‌های کودکش را مستقل کرده است. یک چند سالی است مستقل کرده است و یک جشنواره کودک مستقل برگزار می‌کند.

ما وزارت ارشاد یا فرهنگ و هنر قبل از انقلاب را داریم که متولی اصلی تئاتر حرفه‌ای برای کسانی که شغل‌شان کار تئاتر هست، این وزارتخانه است و جشنواره بین‌المللی همدان را که برگزار می‌کند در واقع بین‌المللی هم هست و تنها جشنواره حرفه‌ای و بین‌المللی هست که در واقع شناخته شده هست در زمینه تئاتر کودک.

ما شهرداری را داریم که از سال ۱۳۷۵ به صورت هیئت امنایی، سازمان فرهنگی هنری شهرداری در آن شکل می‌گیرد. صدا و سیما، سازمان تبلیغات و آدم‌های دیگر و نماینده‌های حقوقی وجود دارند در آن و بیشترین سازمان‌ها را دارد؛ شاید چند صد تا فرهنگسرا، خانه فرهنگ، نگارخانه، کتابخانه دارد در تهران. برخی از اینها به صورت پراکنده - و نه متأسفانه نظام‌مند و منسجم - تئاتر کودک در آن اجرا می‌شود. ما جشنواره‌ها را داریم که غیر از فستیوال غیررقابتی که کانون قبل از انقلاب از تولیدات خودش می‌گذاشت در تهران، آن‌هایی که مستقیم فعالیت دارند، مثل ارشاد، مثل حوزه هنری، جشنواره تئاتر کودک دارند.

بعضی‌ها هم هستند فعالیت‌هایشان ربطی به تئاتر کودک ندارد، ولی بخش تئاتر کودک و نوجوان دارند. مثل آستان قدس رضوی که جشنواره برای خودش دارد و بخش تئاتر کودک را هم دارد. یا بهزیستی همین‌طور نهادهای دیگر. ما بعد از انقلاب صنف تئاتری نداریم. به صورت پراکنده سندی‌کاهایی تشکیل می‌شود که بیشتر سیاسی هست، شکل نمی‌گیرد، قوام پیدا نمی‌کند.

پس از انقلاب سال ۷۸ به بعد خانه تئاتر شکل می‌گیرد که مجموع سیزده‌گانه صنف‌های مختلف بازیگر، کارگردان، نمایشنامه‌نویس، طراح صحنه و غیره است. یکی از آن‌ها هم در واقع کانون تئاتر کودک و نوجوان است که حرفه‌ای‌های تئاتر کودک آنجا می‌روند و صنف تشکیل





می‌دهند و بیمه می‌شوند و برخی حمایت‌ها و کارها و فعالیت‌های گروهی شکل می‌گیرد. آخرین بخش، ارتباط آزاد با جهان است که تا قبل از حدود هفت، هشت سال اخیر ارتباطها فقط از کانال وزارت ارشاد و بعضاً از کانال کانون پرورش فکری انجام می‌شده است. اما با گسترش ارتباطات با محروم‌سازی یا در واقع اختصاص نیافتن بودجه‌های حمایتی دولتی، گروه‌ها، افراد، پژوهشگرها به‌صورت آزاد با آن سوی مرز ارتباط دارند. تئاتر می‌برند آنجا اجرا می‌کنند. از آنجا تئاتر می‌آورند، حتی تولیدات مشترک دارند. مثلاً کارگردان دو تا بازیگرش آلمانی است، آنجا اجرا می‌کنند یا می‌آورند در ایران اجرا می‌کنند. بعضاً هم از طریق کانون که رابط ایران و اصلی هست و آن‌ها کانون را می‌شناسند ارتباطاتی صورت می‌گیرد و ارتباط دیگر ما که آقای فدائی‌حسین زحمتش را خواهد کشید، ترجمه آثار خارجی به زبان فارسی است.

استاد کیانیان: بسیار بسیار از شما ممنون هستیم جناب آقای اکبرلو. واقعاً من حیفم می‌آید به همه دوستان دارم تذکر [کمبود وقت] می‌دهم. دلم نمی‌آید چون می‌دانم اینها صحبت‌هایشان واقعاً چقدر ارزشمند است. اما چه کنم که وقت کم است و شما هم بسیار تحمل کردید از شماها هم تشکر می‌کنم.

قول می‌دهم که این آخرین سخنرانی ما باشد و آقای حسین فدائی‌حسین نویسنده، نمایشنامه‌نویس، کارگردان، پژوهشگر، مترجم فعال و فعال تئاتر کودک که در مورد ضرورت اجرای طرح تاریخ‌شفاهی در مورد ترجمه نمایشنامه‌ها و آثار نظری تئاتر کودک و نوجوان که ترجمه شده است مقداری برای ما صحبت خواهند کرد. خیلی متشکرم بفرمائید.

استاد حسن فدائی حسین

به نام خدا. در مورد ضرورت طرح که فکر کنم زیاد صحبت شد من دیگر به ضرورت نمی‌پردازم.

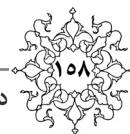
استاد کیانیان: هرچور صلاح می‌دانید.

استاد فدائی حسین: من می‌خواهم در واقع یک سری اطلاعات آماری فقط بدهم به دوستان. چون که در واقع صحبت مفصل راجع به اینها زمان خیلی بیشتری می‌برد که می‌گذاریم برای زمان دیگری. من فقط می‌خواهم یک سری آمار در مورد آنچه که تحت‌عنوان کتاب‌هایی مربوط به تئاتر کودک و نوجوان از ابتدا تا به حال منتشر شده است، در بخش‌های مختلف قرار می‌گیرد. یعنی از جهات مختلف قابل ارزیابی و دسته‌بندی هست. البته تمام دوستانی که اینجا حضور دارند و خود این محل به هر حال محلی هست که خانه کتاب به نوعی محسوب می‌شود. دوستان هم همه اهل کتاب هستند. یعنی کارهایی را منتشر کرده‌اند و آثاری را حالا کم یا زیاد جزء آثار مکتوب‌شان هست. آقای کیانیان که من شاهد هستم از ابتدای زمانی که من با ایشان در ارتباط بودم، کتاب‌هایی را در این حوزه داشتند و هنوز هم که هنوز است چون اینجا هم که آن عکس‌هایی که رد و بدل می‌شود، بسیاری از آثار ایشان هست. به هر صورت بحث کتاب‌شناسی تئاتر کودک و نوجوان را که شروع می‌شود گفت از سال ۱۳۰۷ هزار و سیصد و هفت بوده است یا نمایشنامه خانم خزوک آقای باغچه‌بان که به آن اشاره شد. اگر آن را در واقع شروع انتشار اولین کتاب در حوزه تئاتر کودک و نوجوان بخواهیم قرار بدهیم، تا امسال که سال ۹۶ هست، تقریباً نود سال هست که از سن انتشار کتاب در حوزه تئاتر کودک و نوجوان می‌گذرد.

منتها خُب در این مدت می‌شود که در واقع کتاب‌ها را به دسته‌های مختلف تقسیم کرد. بعضی از این آثار نمایشنامه هست. یعنی دوتا دسته‌بندی کلی می‌توانیم ما برای کتاب‌هایی که تا به حال منتشر شده است در نظر بگیریم. بعضی از اینها نمایشنامه هست و بعضی از اینها آثار پژوهش یا در واقع مکتوبات علمی هست که اینها شامل آثار آموزشی می‌شود و آثار پژوهشی. طبق آماری - که من نمی‌توانم بگویم آن قطعی هست ولی تا حدودی می‌شود گفت که به این آمار می‌شود اطمینان کرد- تا به حال ما حدود ۳۹۰ عنوان کتاب در حوزه تئاتر کودک و نوجوان در ایران منتشر شده است. از همان ۱۳۰۷ که خدمت‌تان عرض کردم.

در این آمار یعنی ۳۹۰ عنوان حدود ۳۴۰ عنوانش نمایشنامه است. حالا یا ترجمه است یا تألیف و حدود پنجاه عنوان کتاب آموزشی و پژوهشی است. خُب خود همین مقایسه به راحتی می‌تواند درصد کتاب‌های نمایشنامه و کتاب‌های پژوهشی را به ما بدهد که تقریباً نمایشنامه‌ها می‌شود. حدود هشتاد و هشت درصد کتاب‌هایی که تا به حال منتشر شده است و بقیه‌اش که حدود دوازده درصد هست، به کتاب‌های در واقع پژوهشی یا آموزشی مربوط می‌شود.

حالا یک سری عناوین هم هست که اولین کتاب‌ها در واقع چه چیزها بوده است. مثلاً به طور مثال از سال ۱۳۰۷ که خدمت‌تان عرض کردم تا ۱۳۱۰ علاوه بر سه تا نمایشنامه آقای باغچه‌بان که خانم خزوک هست و پیر و ترب و گرگ و چوپان که توسط انتشارات سعادت شیراز منتشر



شده است، نمایشنامه‌های سروش و نیلا، روز پذیرایی از آقای علینقی وزیری منتشر شده است و معلم کم‌آزار هم از آقای مسعود فرزند. یعنی در این سه سال در واقع می‌شود گفت که پنج عنوان نمایشنامه منتشر شده است.

اما در حوزه کتاب‌های پژوهشی: اولین کتابی که من توانستم پیدا بکنم در زمینه تئاتر کودک و نوجوان که البته مستقیماً به تئاتر کودک و نوجوان مربوط نمی‌شود، ولی خُب می‌شود گفت که اولین کتابی است که بحثی تحت‌عنوان تئاتر کودک و نوجوان یا همان حالا نمایش خلاق را مطرح می‌کند.

کتابی هست تحت‌عنوان قصه‌گویی خلاق نوشته دیویی چمبرز و ترجمه ثریا قزل‌ایاغ به تاریخ انتشار این کتاب توجه بکنید مال سال ۱۳۶۶ هست. که امسال سال ۱۳۹۶ است؛ تقریباً می‌شود سی سال. یعنی در واقع در نودسالی که من گفتم از عمر انتشار کتاب می‌گذرد، شصت سال ما کتاب پژوهشی نداشتیم در حوزه تئاتر کودک و نوجوان و شروع کتاب‌های پژوهشی و آموزشی از سی سال پیش به این طرف بوده است که حالا من آمار را که خدمت‌تان عرض کنم، متوجه می‌شوید که این نسبت‌ها کم‌کم هرچه ما جلوتر می‌رویم تعداد آثار پژوهشی و آموزشی بیشتر می‌شود نسبت به نمایشنامه. بعد از کتابی که خدمت‌تان عرض کردم که این کتاب در واقع ترجمه هست. اولین کتاب تألیفی در حوزه پژوهش، در حوزه تئاتر کودک و نوجوان، کتابی هست تحت‌عنوان تئاتر کودک و نوجوان نوشته جناب آقای داوود کیانیان که انتشارات تربیت آن را در سال ۱۳۷۰ منتشر کرده است. در واقع می‌شود گفت اولین کتاب تألیفی در حوزه پژوهش در زمینه تئاتر کودک و نوجوان کتابی هست از جناب آقای کیانیان که جای در واقع خوشحالی دارد. چون من فعالیت می‌کردم در حوزه تئاتر کودک و نوجوان و هیچ کتابی، هیچ منبع آموزشی وجود نداشت. آن زمان کتاب‌هایی که در کتابخانه دانشکده هنرهای زیبا پیدا می‌کردم، کتاب‌های انگلیسی بود که من منتظر یک زمانی بودم که بتوانم اینها را ترجمه کنم و بتوانم از آن استفاده کنم. صرفاً برای خودم، چون در آن زمینه فعالیت می‌کردم، ولی خُب چیز مکتوبی وجود نداشت جز کتابی که خدمت شما عرض کردم از آقای کیانیان.

این کتاب، کتاب بسیار مهم و مؤثری هست. گرچه هنوز که هنوز است به نظر من قدرش شناخته نشده است. چون در این کتاب یک نظریه‌ای ارائه می‌شود در حوزه تئاتر کودک و نوجوان که تئاتر را در واقع فطری می‌داند برای بچه‌ها و اصلاً برای انسان. چون انسان شروع فعالیت نمایشی‌اش به نوعی در دوران کودکیست؛ از تقلیدی که ابتدا از بزرگسالان دارد و بعد این تقلید کم‌کم شکل بازی پیدا می‌کند، وارد بازی بچه‌ها می‌شود و تقسیم‌بندی‌هایی که حالا آقای کیانیان در این زمینه داشته‌اند که شروعش در واقع با بازی‌های نمایشی هست، بعد تبدیل می‌شود به نمایش بازی‌ها و کم‌کم نمایش خلاق، بحث مربی وارد آن حیطه می‌شود.



نمایش خلاق را ما داریم و بعد این فعالیت شکل حرفه‌ای را به خودش می‌گیرد و تبدیل می‌شود به تئاتر کودک و نوجوان. البته تقسیم‌بندی‌های دیگری هم من باز از آقای کیانیان سراغ دارم در حوزه تئاتر کودک و نوجوان که حالا شاید بد نباشد که یک اشاره‌ای به آن بشود و آن این است که تئاتر کودک و نوجوان ما سه شاخه کاملاً متفاوت داریم که یکی تئاتر برای کودک و نوجوان هست، تئاترهای حرفه‌ای هست که گروه‌های حرفه‌ای آن‌ها را تولید می‌کنند و مخاطب آن‌ها بچه‌ها هستند.

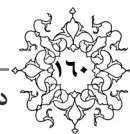
نوع دیگری از تئاتر هست که حالا بیشتر در حوزه تئاتر دانش‌آموزی که دوستان اشاره کردند به آن، مربوط می‌شود که تئاتر با کودک و نوجوان هست. ما یک چنین تئاتری را در بزرگسال نداریم که تئاتر را با بزرگسال‌ها کار نکنیم. آن‌ها معمولاً تئاترهای حرفه‌ای هست که بازیگرها و هنرمندهای حرفه‌ای آن‌ها را تولید می‌کنند و برای مخاطب بزرگسال اجرا می‌کنند.

ولی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان ما تئاتری را داریم که با بچه‌ها کار می‌شود. با بچه‌ها تولید می‌شود. آنچه که درمورد آقای جبار باغچه‌بان اشاره شد در واقع همین نوع نمایش هست که ایشان با بچه‌ها تولید می‌کرده است. بعد از دسته دیگری هست که تئاتر درباره بچه‌ها هست که آن حالا خیلی محدود و در واقع می‌شود گفت که به آن صورت فعالیتی در این زمینه انجام نشده است. تئاترهایی هست که موضوعش بچه‌ها هستند.

ولی مخاطبش بیشتر والدین، مربیان و کسانی هستند که با بچه‌ها در ارتباط هستند. نمایش‌هایی درباره بچه‌ها تولید می‌شود و برای آن‌ها به اجرا در می‌آید. از این آمار که بگذریم بر می‌گردیم به یک دسته‌بندی دیگری در مورد کتاب‌ها که شامل کتاب‌های تألیفی می‌شود و بعد کتاب‌های ترجمه. یعنی از تعداد ۳۹۰ عنوانی که خدمت‌تان عرض کردم که تا به حال کتاب چاپ شده است توی حوزه کودک و نوجوان، ۸۰٪ آن کتاب‌های تألیفی هست و ۲۰٪ کتاب‌های ترجمه. از مجموع ۳۴۰ عنوان نمایشنامه‌ای که خدمت‌تان عرض کردم، ۳۰۰ عنوان نمایشنامه‌های تألیفی هست و ۳۰ عنوان نمایشنامه‌های ترجمه شده. البته ۳۰ عنوان که من می‌گویم نه عنوان نمایشنامه، منظور من عنوان کتاب است. چون اینها بعضی‌هایش مجموعه است.

از مجموع ۵۰ عنوان کتاب آموزشی و پژوهشی، ۲۸ عنوانش تألیفی هست و ۲۲ عنوان کتاب ترجمه شده. همین مقایسه کوچک نشان می‌دهد که در حوزه نمایشنامه‌نویسی ما بیشتر کتاب‌های تألیفی داریم تا ترجمه. ولی در حوزه پژوهش تقریباً می‌شود گفت که با هم برابری می‌کنند کتاب‌های پژوهشی که تألیف نویسنده‌ها یا پژوهشگرهای ایرانی هست و آن‌هایی که از خارج از کشور در واقع ترجمه شده است.

یک اشاره‌ای هم شما داشتید که دوستان فعال ما کمتر به ثبت و نگارش تجربیات‌شان پرداخته‌اند. یعنی این آمار خودش نشان می‌دهد که ما چقدر پژوهشگر در حوزه پژوهشی داریم ولی



اینکه بیاید آن را به کتاب تبدیل کند و ارائه دهد، کمتر داریم.

عرض کنم که می‌روم سراغ تقسیم‌بندی بعدی که مجموعه نمایشنامه‌ها و نمایشنامه‌های تک جلدی هست. طبق بررسی اجمالی که از ۳۴۰ عنوان نمایشنامه صورت گرفته است، مجموعه‌ها ۱۲۵ عنوان هست. یعنی ۱۲۵ عنوان از ۳۴۰ عنوان ما، مجموعه نمایشنامه هست و ۲۱۵ عنوان، تک نمایشنامه است. یعنی نمایشنامه‌های تک‌جلدی است. حالا اینکه هر کدام چه مزایایی دارد، چه مشکلاتی دارد یا مشکلاتی برای مخاطب ایجاد می‌کند، از این می‌گذریم. حتماً ناشر در واقع ضرورت دانسته است که کتابی را به صورت تک‌جلدی چاپ بکند یا به صورت مجموعه چاپ بکند. از این آمار هم بگذریم - برای اینکه حالا فرصت هم کم هست - برویم سراغ ناشرانی که در این زمینه فعال بودند. از مجموعه ۳۹۰ عنوان نمایشنامه و کتاب پژوهشی که تا به حال منتشر شده است، من چند تا ناشر را نام می‌برم و تعداد کتاب‌هایی را که اینها منتشر کرده‌اند را عنوان می‌کنم. اولین ناشر که در واقع بیشترین کتاب را در حوزه تئاتر کودک و نوجوان را منتشر کرده است، سوره مهر هست با ۶۳ عنوان کتاب که البته این ۶۳ عنوان، ۳۰ عنوانش فقط مال یک نویسنده و یک مجموعه از آقای دولت‌آبادی هست. ایشان ۳۰ عنوان کتاب تحت‌عنوان نمایشنامه‌های آسان تألیف کردند که البته هر مجموعه ایشان یعنی هر کدام از این ۳۰ تا داخلش چهار یا پنج تا نمایشنامه هست. یعنی یک چیزی حدود صد و پنجاه، شصت تا نمایشنامه ایشان گرد آوری کردند و سوره مهر به این دلیل آمارش بالا رفته است.

چون ۳۰ جلد از کتاب‌هایش فقط مربوط به این مجموعه می‌شود. ناشر بعدی انتشارات نمایش هست که با ۵۰ عنوان کتاب در زمینه کتاب‌های آموزشی و پژوهشی کارش را در واقع انجام داده است که می‌شود از آن نام برد. ناشر بعدی که در رتبه سوم قرار می‌گیرد کانون پرورش فکری هست که در مجموع با ۴۱ عنوان بیشترین کتاب‌های نمایشی را منتشر کرده است. من البته اینجا یک یک آمار دیگری را هم مشخص کردم که می‌شود گفت که سوره مهر از آن ۶۳ عنوان کتابی که چاپ کرده است، ۹۸٪ آن نمایشنامه است. این هم شاید جالب باشد.

فقط ۲٪ از آن کتاب‌ها پژوهشی هست. ولی برعکس انتشارات نمایش، از ۵۰ عنوان کتابی که چاپ کرده است، ۵۵٪ آن پژوهشی هست. یعنی بیشترش کتاب پژوهشی محسوب می‌شود. ۴۵٪ نمایشنامه است و کانون هم از ۴۱ عنوانی که چاپ کرده است، ۹۵٪ آن باز نمایشنامه است. یعنی کانون در حوزه کتاب پژوهشی بسیار آمارش پایین است و آخرین ناشری که نام می‌برم، انتشارات مدرسه هست با ۲۵ عنوان کتاب که این انتشارات هم ۹۸٪ کتاب‌هایش نمایشنامه هست تا کتاب پژوهشی. به این ترتیب فقط انتشارات نمایش هست که بیشترین کتاب پژوهشی را تا به حال منتشر کرده است. یک سال‌شمار هم من اینجا دارم که البته من همه اینها را به صورت فهرست‌وار و مفصل در زمینه کتاب‌های پژوهشی که تا به حال منتشر شده است و هم کتاب‌های نمایشنامه



دارم. متنها من فقط پرینت کتاب‌های پژوهشی را آوردم.

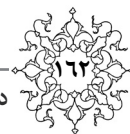
چون که کتاب‌های نمایشنامه که لیست بلند بالایی دارد که من فایلش را می‌توانم برای شما بفرستم که داشته باشید. از حدود نود سالی که عرض کردم کتاب در حوزه تئاتر کودک و نوجوان منتشر شده است، یک نگاه سالشماری داشته باشیم: از ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۰، یعنی در طول ۵۰ سال، ما فقط ۲۵ عنوان کتاب در حوزه تئاتر کودک و نوجوان را شاهد هستیم.

یعنی در ۵۰ سال ما ۲۵ عنوان کتاب را منتشر کردیم. در دهه ۶۰، در مجموع ما ۲۲ عنوان کتاب چه نمایشنامه و چه آثار پژوهشی داریم. در دهه ۷۰ ما ۱۰۵ عنوان کتاب داریم. یعنی می‌بینید که همین‌طور آمار بالا می‌آید. دهه ۸۰ در مجموع ما ۱۲۳ عنوان کتاب داریم و در ۵ ساله دهه ۹۰ که الان در واقع از آن گذشتیم ۱۱۵ عنوان فقط در این پنج سال منتشر شده است. خود این نشان می‌دهد که آمار انتشار کتاب رو به رشد است و این جای خوشحالی دارد. امیدواریم که این روند ادامه داشته باشد.

استاد کیانیان : انشاءالله، انشاءالله. دست‌تان درد نکند خیلی ممنون. آدم حیفش می‌آید که سخنرانی قطع می‌شود. روی این آمارها واقعاً خیلی زحمت کشیده شده است و برای اولین بار است که جایی عنوان می‌شود. چون هر چه آثار در زمینه تئاتر کودک و نوجوان هست، ما می‌بینیم و می‌شنویم و می‌خوانیم ولی این برای اولین بار است که اینجا [به طور منسجم آمار ارائه می‌شود]. از ایشان بسیار تشکر می‌کنم.

جناب جهانگیریان هم یک دقیقه فرصت خواستند یک توضیحی بدهند و دیگر از ما تمام می‌شود و منتظر می‌مانیم اگر شما خسته نباشید و دوست داشته باشید، پرسش و پاسخی باشد در خدمت شما بزرگواران هستیم. جناب جهانگیریان، بفرمائید.

استاد جهانگیریان: پوزش می‌خواهم. آنجا که من اشاره کردم به ضرورت ضبط تئاترهای تلویزیونی به این دلیل بود که بهترین کارهای حرفه‌ای در سالن‌های تهران اجرا می‌شود و خیلی‌ها در سرتاسر ایران محروم هستند از دیدن تئاتر کارهای حرفه‌ای در تهران. کارهایی که ضبط می‌شود خوبی‌اش به این است که مثلاً فرض کنید الان در تهران یک کار اگر میانگین دو، سه هزار نفر بیننده داشته باشد، وقتی ضبط می‌شود از تلویزیون پخش می‌شود گاه ممکن است تا چند میلیون بیننده داشته باشد و بتواند آن‌هایی که در شهرستان‌های دور هستند حتی در روستاها بتوانند این تئاترها را ببینند. دوم اینکه برای دانشگاه در رشته تئاتر که در شهرستان‌ها هستند و برای انجمن‌های نمایش، بار آموزشی دارد و بسیار خوب است و به هر حال من فکر کردم که این اتفاق اگر بیفتد، خیلی کمک می‌کند همان‌طور که اشاره کردم ما بعد از انقلاب غیر از این برنامه، واحد نمایش که داشتیم یک برنامه گزارش هفته بود که آقای داوود رشیدی و بعد دیگران می‌آمدند تئاترهایی که در صحنه بود، اخبار تئاتری را به سرتاسر ایران گزارش می‌کردند و این خودش انرژی



می‌داد به بچه‌هایی که تتاتر کار می‌کنند. خواستم کامل بکنم.

دوم اشاره کردم به اینکه اگر ملتی هرچند تاریخ درازی داشته باشد، اما مدون نکند، فراموش می‌شود به این دلیل بود که احساس کردم چون من زمانی که تاریخ پزشکی را می‌نوشتم و تاریخ مهندسی آب در ایران را، دیدم همه منابع عمده، خارجی است و حتی شما راجع به مولوی، راجع به حافظ، راجع به سعدی، راجع به هر کسی، هر موضوعی را بخواهید تحقیق کنید، ۷۰٪ یا ۸۰٪ منابع ما خارجی است. منظور من این بود که ما ایرانی‌ها خودمان آستین را بالا بزنیم و تلاش بکنیم که تاریخ سرزمین خودمان را در تمام قلمروهای فرهنگی، صنعتی، پزشکی بنویسیم و نگذاریم این پیشینه فراموش بشود.

استاد کیانیان: این نکته بسیار جالبی است. در زمینه تتاتر کودک و نوجوان هنوز آن‌ها هیچ کاری نکردند. بگذارید این یکی را لاقلاً ایرانی‌ها شروع کرده باشند و انشاءالله ادامه بدهند و یقیناً کامل‌تر هم خواهند بود. بسیار ممنونیم از شما.



